

**در گیری گسترده مردم
با نیروی سر کوبگر انتظامی
در مهاباد
اعتراضات ضدحکومتی با قتل
یک جوان مهابادی توسط
مزدوران سر کوبگر
نیروی انتظامی آغاز شد**



در صفحهٔ ۲



شمارهٔ ۷۷۶

**پنجاه و دومین قطعنامهٔ محکومیت رژیم آخوندی توسط
ملل متحد در کمیتهٔ سوم مجمع عمومی تصویب شد**

- این قطعنامه که توسط ۴۵ کشور به کمیتهٔ سوم ارائه شده بود از قطعنامهٔ سال گذشته مجمع عمومی قویتر و شدیدالحن تر است و با اکثریت بیشتری نسبت به سال گذشته و با رأی مثبت ۷۷کشور به تصویب رسید.
- در این قطعنامه، استمرار شکنجه و مجازاتهای وحشیانه و غیرانسانی، استمرار اعدامهای علنی و سایر اعدامها در سطح گسترده و به‌خصوص اعدام افرادی که هنگام ار تکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشتند و همچنین نقض مستمر آزادی بیان، آزادی اجتماعات، نقض حقوق زنان و اقلیتهای مذهبی و قومی قویا محکوم شده است
- این قطعنامه در اجلاس مجمع عمومی در ماه دسامبر مطرح خواهد شد

در صفحات آخر و ۳

سه‌شنبه اول آذر– ۱۹شوال ۱۴۲۶ 3€\$ 3SFR 1.5Pounds 2US\$ 2005 22 November 776 NO: Mojahed

اطلاعیهٔ دبیر خانهٔ شورای ملی مقاومت در بارهٔ برگزاری اجلاس میاندوره‌یی شورا

سیر تحولات بیانگر سرفصل یکپایگی و انقباض رژیم است

سمت گیری سیاسی حکومت آخوندی در مرحلهٔ پایانی، ضرورت اتخاذ یک سیاست قاطع را از سوی جامعهٔ بین‌المللی ثابت می‌کند

- اجلاس شورا افشای توطئهٔ وزارت اطلاعات آخوندها علیه اشرف، که خروجی تحت کنترل نیروهای آمریکایی را از طریق عناصر نفوذی و به‌خدمت گرفتن کسانی که صفوف مبارزه را ترک کرده‌اند، به سرپل و کانونی برای شکار طعمه و توطئه‌چینی برضد مجاهدین و جنبش مقاومت تبدیل کرده است، یک اقدام به‌جا و ضروری دانست و تأکید کرد: تقلاهای زیوانه و رسوای اطلاعات آخوندها، تنها شدت درماندگی و استیصال دشمن در مقابل استواری جنبش مقاومت، و منتهای دناتت مأموران وزارت جاسوسی و آدمکشی را ثابت می‌کند.
- اجلاس شورا، برگزاری تظاهرات بزرگ ایرانیان در روز ۷ نوامبر در بروکسل را تبریک گفت و هموطنان را به گسترش فعالیت‌هایشان برای رساندن صدای آزادیخواهی مردم ایران و حمایت از قهرمانان آزادیستان شهر اشرف فراخواند

در صفحهٔ ۳



- شورا تهدیدات شیادانهٔ احمدی‌نژاد را نوعی فرار به جلو از سرضعف و اعلان جنگ به جامعهٔ بین‌المللی دانست و نتیجه‌گیری کرد: سیر تحولات سیاسی صحت تحلیل شورای ملی مقاومت را در مورد سرفصل یکپایگی و انقباض رژیم ثابت می‌کند
- اجلاس شورا روی آوردن رژیم آخوندها به تروریسم و آدمربایی به مثابهٔ روشهای هماهنگ با ذات ولایت فقیه، جنایت وحشیانهٔ ربودن دو مجاهد خلق در بغداد و اعمال فشارهای ضدانسانی برای قطع سهمیهٔ ارزاق و داروی رزمندگان آزادی ایران را محکوم کرد
- اجلاس شورا به پایداری زنان و مردان قهرمان اشرف، درود فرستاد و تأکید کرد: هم چنان که خانم مژگان پارسایی جانشین رهبری مقاومت در اشرف به‌درستی خاطر نشان کرده است، اشرف نقطه کانونی چنگ در چنگ شدن استبداد مذهبی با مقاومت سازمانیافته و آلترناتیو دموکراتیک می‌باشد

وسیله‌وهدف آخوندها

در صدور بنیادگرایی به‌عراق



در تابستان گذشته، هنگامی که دعوا برسر اعمال نفوذ رژیم آخوندی درقانون اساسی عراق بالا گرفته بود، یک نویسندهٔ عراقی درمورد مداخله‌جویی آخوندها درکشورش، درمندانه نوشته بود: «هم‌وغم آنها نصب سیمهای خاردار بیشتری در میدان آزادی است که روز به روز دارد صحنه‌اش تنگتر می‌شود. اکنون بر بغداد روضه‌خوانان، و بر شهر بصره نیروهای بسیجی حکم می‌رانند که دهانها را می‌دوزند و تحرک زنان را محدود می‌کنند. شهرهایی را که به آرامی در کنارهای فرات و دجله آرامیده‌اند، دزدانی نگاهبانی می‌کنند که آنها را از اهل خانه دزدیده‌اند» (صوت العراق ۱۱ مرداد۸۴). کشف شکنجه‌گاه تحت کنترل عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ، صحنه‌هایی تکاندهنده را از آن سوی سیمهای خاردار ارتجاعی و ضد آزادی درمعرض تماشای جهانیان گذاشت وجهان دید که مداخله‌جویی استبداد دینی حاکم برایران، به چه معناست. مثل آن چه که در ربع قرن گذشته درایران گذشته است، اکنون بازمه وسیلهٔ پلید شکنجه وشقاوت، درخدمت هدفی ازهمان سنخ و به همان اندازه پلید وضدانسانی قرار دارد و برای رسیدن به این هدف شوم آدم می‌کشد و دست و پا می‌برد. هدف، استقرار یک حکومت دست‌نشاندهٔ رژیم آخوندی در عراق است. هدفی که به دلیل ماهیت ضدتاریخی و قرون وسطایی رژیم ولایت فقیه بخشی ضروری از استراتژی آخوندها برای حفظ حکومت ننگین‌شان درایران به‌شمار می‌رود.

اما «حفظ نظام» آخوندی در ایران و تحمیل «حکومت روضه‌خوانان» در عراق، هم‌چنان که نویسندهٔ عراقی درسطور بالا اشاره کرده بود، جز با دوختن دهانها و محدود کردن تحرک زنان و جز با شکنجهٔ مخالفان و درهم کوبیدن تار وپود جسم و روح انسان، عملی نیست. صدوربنیادگرایی به عراق، براساس طبیعت دیکتاتوری ولایت فقیه، با حداکثرشقاوت همراه است. چنین است که در شکنجه‌گاهها «رژه برقی، اتو، وسیلهٔ قطع اعضا بدن، کاتر مخصوص سلاخی و صندلی شوک الکتریکی» کشف می‌شود و در«تهاجم نیروهای آمریکایی بهمجموعهٔ وزارت کشور تحت حمایت رژیم ایران، تعداد زیادی جنازه که با دستهای بسته و شلیک گلوله به‌سرشان اعدام شده بودند، در بغداد و جاهای دیگر در سراسر عراق پیدا می‌شود» (لس آنجلس تایمز۱۲۳آبان۸۴).

۱۰۵روز پیشتر، هنگامی که دو مجاهد خلق در خیابانهای بغداد توسط نیروهای رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ربوده شدند، مجاهدین خلق ایران اعلام کردند که روی آوردن آشکار به آدمربایی و روشهای ذاتی رژیم ولایت فقیه از علائم دوران یکپایگی و سرفصل انقباض رژیم آخوندی است. دورانی که با اعلان جنگ رژیم آخوندی به مردم ایران و جامعهٔ جهانی، با اصرار بیش از پیش برای دستیابی به بعب اتمی و با تشدید مداخله جویی در عراق همراه است.

بسیج تبلیغاتی رژیم آخوندی و دروغپردازی توانان صادرشده از سوی وزارت جاسوسی و آدمکشی برای متهم کردن مجاهدین به ایجاد شکنجه‌گاه «خروج ممنوع» در عراق، وسیلهٔ سرپوش گذاشتن بر همین سیاستهای جنایتکارانه توسط فاشیسم مذهبی است.

بدیهی است که مجاهدین و عراقیان شریفی که به حمایت از مجاهدین برمی‌خیزند و مقاومت ایران را در مقابله با بنیادگرایی متحد خود می‌یابند، هدف تروریسم و شکنجه و شقاوت صادراتی آخوندها هستند و هر روز و هر شب با تهدیدات و توطئه‌های این رژیم روبه‌رو می‌شوند. اما دست از هدف والای آزادی و دموکراسی برنمی‌دارند و در برابر هجوم توحش و ارتجاع بر پایداری و همبستگی انسانی پامی‌فشارند.

هدفها و وسیله‌ها، همیشه هم‌جنس وهم‌سختند. بنابراین، مقابله با صدور بنیادگرایی و درهم شکستن استبداد ضدانسانی نیز به وسیلهٔ پایداری و همبستگی براساس ارزشهای انسانی محقق می‌شود که«شهر اشرف» نماد مجسم آن است.

کنفرانس بین‌المللی در پاریس:

«تروریسم، بنیادگرایی، چشم‌اندازها و راه‌حله‌ا»

پیام رئیس‌جمهور بر گزیدهٔ مقاومت به کنفرانس پاریس

- تغییر دموکراتیک در ایران لازمهٔ خاتمه دادن به بنیادگرایی اسلامی و موفقیت در جنگ علیه تروریسم است. این تغییر از راه مماشات و جنگ خارجی به‌دست نمی‌آید. این تغییر به‌دست مردم ایران و مقاومت سازمانیافتهٔ آنها محقق خواهد شد
- سیاست مماشات در قبال رژیم تهران مهمترین عامل رشد تروریسم منبعث از بنیادگرایی اسلامی بوده است
- پیشروی ملایان در عراق و در کسب سلاح اتمی تعادل قوا و ژئوپولتیک منطقه را دستخوش تغییرات اساسی خواهد کرد که نتیجهٔ آن یک بحران بین‌المللی خواهد بود

در کنفرانس پاریس تشکیل کمیتهٔ دفاع از تغییر دموکراتیک در ایران توسط شخصیتهای فرانسوی اعلام گردید

- هدف این کمیته این است که با پایان دادن به روند کنونی و با تلاش برای خارج کردن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست تروریستی، بتواند برقراری یک دموکراسی در ایران را تشویق کند.

از همه وجدانهای بیدار می‌خواهیم به این کمیته بپیوندند



از راست به چپ: دکتر صالح رجوی، مولود آنونیت، مارک ریمن، آلن ویوین، غالب بن شیخ، ژیل پارونل، سید احمد غزالی، ایو یونه، ماریو استازی، فرانسوا کلکومبه، پرویز خزایی، هانری لوکلرک



در کنفرانس بین‌المللی «تروریسم، بنیادگرایی، چشم‌اندازها و راه‌حله‌ا» که در پاریس برگزار شد و ریاست آن را آقای ایوبونه استاندار افتخاری و رئیس سابق سازمان ضدتروریستی فرانسه به‌عهده داشت، سید احمد غزالی نخست‌وزیر پیشین الجزایر، آلن ویوین وزیر مشاور سابق در امور خارجه فرانسه و رئیس سابق کمیسیون بین وزارتخانه‌یی مبارزه با سکت، مارک ریمن نماینده‌از حزب او.ام.پ فرانسه و عضو کمیسیون خارجه، ماریو استازی رئیس سابق کانون وکلای پاریس، هانری لوکلرک وکیل و عضو سابق هیأت

در صفحات ۴ و ۵

پارلمان اروپا طی قطعنامه‌یی از رژیم ایران خواست دست از حمایت از تروریسم بردارد

در صفحهٔ ۳

تجمع اعتراضی

لندن – آسوشیتدپرس ۲۷آبان: تظاهر کنندگان بیرون ساختمان نخست‌وزیری در حالی که پرچمهای ایران و تصاویر رئیس‌جمهور منتخب مقاومت را تکان می‌دادند شعار می‌دادند: دخالت رژیم ایران در عراق را متوقف کنید



گردهمایی

اجتماع همبستگی ورزشکاران استان دیالی عراق با مجاهدین در شهر اشرف

دخالتهای رژیم آخوندی در عراق باعث تیره‌شدن اوضاع جاری جوانان و آیندهٔ آنان شده است



در صفحهٔ ۳



زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

در گیری گسترده مردم و نیروی سرکوبگر انتظامی در مهاباد

روز یکشنبه ۱۲۹آبان، مناطق مختلف مهاباد صحنهٔ رویارویی مردم این شهر با نیروهای سرکوبگر بود. این درگیری‌ها که از قبل از ظهر شنبه پس از قتل یک جوان مهابادی به‌دست مزدوران رژیم آغاز شد، تا پاسی از شب ادامه یافت. رژیم آخوندی با سرازیر کردن نیروهای سرکوبگر از شهرهای اطراف به‌مهاباد یک حکومت نظامی در این شهر ایجاد کرده است.

اعتراضات ضدحکومتی هنگامی آغاز شد که یک جوان مهابادی ضمن مقاومت در برابر زورگری دو تن از مزدوران سرکوبگر نیروی انتظامی توسط یکی از آنها به‌ضرب گلوله کشته شد. در پی این جنایت، مردم محله‌های پشت تپه و باغ‌شایگان در مهاباد، دست به‌تظاهرات زدند که با پورش وحشیانه و شلیک تپوی انتظامی مواجه شد. بروغم این اقدامات سرکوبگرانه، مردم مهاباد به‌اعتراضات خود و شعارهای ضدحکومتی ادامه دادند.

در جریان درگیری‌های روز گذشته شمار زیادی از تظاهر کنندگان دستگیر شدند. در جریان اعتراضات گستردهٔ مردم مهاباد از تابسان گذشته تاکنون صدها تن دیگر دستگیر شده‌اند که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. مقاومت ایران مجامع بین‌المللی مدافع حقوق بشر در سراسر دنیا را به‌محکوم کردن جنایات رژیم آخوندی در مهاباد و تلاش برای آزادی دستگیر شدگان فرا می‌خواند.

دیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۳۰آبان۱۳۸۴ (۲۱توایم۲۰۰۵)

مصوبهٔ مجلس آخوندها باجگیری آشکار برای ممانعت از ارجاع پروندهٔ اتمی به شورای امنیت

روز یکشنبه ۲۹آبان، مجلس رژیم آخوندی در یک نمایش مضحک، لایحیی را به‌تصویب رساند که بر از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم و قطع بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صورت ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم به‌شورای امنیت ملل متحد تأکید می‌کند.

آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت، این مصوبه را نمایش مضحک و باجگیری مبتذل تروریست‌های حاکم بر ایران در آستانهٔ اجلاس شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا در بروکسل (دوشنبه ۲۱توایمیر ۲۴توایمیر) توصیف کرد و افزود در حالی‌که آخوندها با فقدان یک رویکرد قاطع در قبال نقض‌های مکرر تعهدات بین‌المللی‌شان جری شده‌اند، با این نمایش‌ها تلاش می‌کنند، از ارجاع پرونده‌شان به‌شورای امنیت ممانعت کنند.

محدثین، از اجلاس شورای وزیران اتحادیهٔ اروپا و اجلاس شورای حکام آژانس خواست بی‌اعتنا به این تشنیت‌ها، بیش از این به‌زریمی که دو دهه پروژه‌های امنیش را مخفی کرده زمان ندهند و با ارجاع فوری پرونده به‌شورای امنیت و اعمال تحریم‌های فراگیر، از فاجعه دستیابی تنها دولت حامی تروریسم، به‌سلاح اتمی جلوگیری کنند.

دیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۳۰آبان۱۳۸۴ (۲۱توایمیر۲۰۰۵)

ملایان حاکم بر ایران با تبدیل ۵۰تن اورانیوم پروژۀ دستیابی به بمب اتمی راتسریع می‌کنند

فراخوان برای ارجاع فوری پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به‌شورای امنیت ملل متحد

بنا به گزارش خبرگزاری‌ها رژیم آخوندی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاع داده است که از روز ۲۶توایمیر تبدیل ۵۰تن کیک زرد به گاز هگزافلورید را آغاز خواهد کرد. پیش از این نیز رژیم ۳۷تن کیک زرد را به گاز هگزافلورید تبدیل کرده بود.
به‌این ترتیب رژیم آخوندی قادر خواهد بود با تغذیهٔ ساترینفوزها، اورانیوم غنی‌شده برای ساختن ۱۵بمب اتمی تولید کند.

بر اساس اطلاعات سازمان مجاهدین خلق ایران، هم‌زمان با مذاکرات دو سال گذشته با سه کشور اروپایی، رژیم آخوندی ساخت و مونتاژ ۰۰۰صاترینفوز را مخفیانه تکمیل کرده است.

آقای محمد محدثین، مسئول کمیسیون خارجهٔ شورای ملی مقاومت ایران، اقدامات اخیر دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، را گام جدیدی در نقض تعهدات بین‌المللی توصیف کرد. فقدان یک سیاست قاطع بین‌المللی و تعلل در ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم آخوندی به‌شورای امنیت و تلاش برای احیای مذاکرات بیپرده آخوندهای بنیادگرا و تروریست بیشتر فرصت را برای آنها فراهم کرده است تا تلاش‌های خود را برای دستیابی به‌سلاح اتمی که تماماً زیر نظر وزارت دفاع و سپاه پاسداران جریان دارد تسریع و تشدید کنند.

وی افزود هدف مانور فربیکارانهٔ رژیم آخوندی در تعیین تاریخ ۲۶توایمیر، یعنی روز بعد از اجلاس شورای حکام آژانس، برای آغاز تبدیل محمولهٔ جدید کیک زرد، دفع‌الوقت و میدان باز کردن برای مذاکره به‌م منظور ممانعت از تصمیم‌گیری مبنی بر ارجاع پروندهٔ رژیم به‌شورای امنیت است. محدثین تأکید کرد هر روز تعلل و تأخیر در ارجاع پرونده به‌شورای امنیت و اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه این رژیم، منطقه و جهان را به‌فاجعه نزدیکتر می‌کند.

دیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۲۵آبان۱۳۸۴ (۱۶توایمیر۲۰۰۵)

اطلاعیهٔ دبیر خانهٔ شورای ملی مقاومت نمایش بسیج و سپاه پاسداران در نظنز به‌منظور ممانعت از ارجاع پرونده به‌شورای امنیت ملل متحد

در آستانهٔ اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، رژیم آخوندی در صدد اجرای یک سلسله نمایش‌های تبلیغی و خیابانی در شهرهای مختلف ایران است تا وانمود کند برنامهٔ اتمی‌اش مورد حمایت گستردهٔ مردم ایران است. آنها می‌خواهند با شازان و جوسازی از ارجاع پرونده به‌شورای امنیت ملل متحد جلوگیری کنند.

تصمیم این نمایش‌ها در شورای عالی امنیت رژیم آخوندی گرفته شده است. بر اساس دستورالعمل این شورا، «چون موضوع امنیت ملی در میان است بودجه نامحدود به آن اختصاص داده شده است.

در یکی از این نمایش‌ها سپاه پاسداران و بسیج پاسداران قرار است روز جمعه ۱۲۷توایم یک تظاهرات در اطراف تأسیسات اتمی نظنز برگزار کنند و با حلقه‌زدن به‌دور تأسیسات نظنز و ایجاد یک سپر انسانی، خواستار راه‌اندازی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم شوند. آنها قرار است از مواضع خامه‌ای و پاسدار احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ارتجاعی مبنی بر حفظ خرجهٔ سوخت هسته‌یی حمایت کنند. قرار است تظاهرات و نمایش‌های بیشتری در روزهای آینده برگزار شود.

کلیهٔ ارگانه‌های مانند بسیج دانشجویی، دانش آموزی و طلاب برای رفتن به‌نظنز، دفتر ثبت نام باز کرده‌اند. هزینهٔ این تظاهرات، از جمله مخارج انتقال مزدوران از نقاط مختلف به‌نظنز، هزینهٔ استقرار آنها در این شهر و پرداخت پاداش به‌خطاط شرکت در تظاهرات، تماماً توسط سپاه و بسیج پرداخت می‌شود. سرتیپ پاسدار حجازی سرکردهٔ بسیج سپاه پاسداران دستور پرداخت این هزینه‌ها را به‌معاونش، سرتیپ پاسدار میراحمدی داده است. رژیم ضدبشری آخوندی که بیش از هر زمان دیگر مورد خشم و نفرت مردم ایران است، نام این نمایش‌ها را «حلقهٔ اقتدار» گذاشته است تا وانمود کند برنامه‌های اتمی‌اش از حمایت مردمی برخوردار است. این درحالیست که اکثریت قریب به‌اتفاق مردم ایران که خواستار تغییر این رژیم فزون‌وسطایی هستند، با برنامه‌های اتمی آن نیز قویاً مخالفند.

دیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۲۶آبان۱۳۸۴ (۱۷توایمیر۲۰۰۵)

اخبار ایران

هفت روز هفته مروری بر مهمترین رویدادهای هفته

با نورافکن دنبال عناصر مثبت در گزارش البرادعی



قبل از انتشار گزارش البرادعی، دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیرامون پروندهٔ هسته‌یی رژیم، آخوندها به‌نقل از «دیپلمات اروپایی» که هیچ‌گاه نامشان ذکر نشد، چنین در رسانه‌های خود تبلیغ می‌کرد که گویا «گزارش البرادعی دربارهٔ برنامهٔ هسته‌یی ایران بسیار کوتاه و حاوی عناصر مثبت باشد. به‌نحوی که یکی از نمایندگان مجلس ارتجاع با را آن‌قدر دراز کرد که مدعی شد، دیگر باید «پروندهٔ هسته‌یی ایران بسته شود. اما وقتی در گزارش آژانس به‌سندی استناد شده که در آن از ساختن یک مرکز هسته‌یی انفجاری بعب «اتمى» صحبت شده است، اکنون دیکتاتوری آخوندی با بسیج دستگاه‌هایش با نورافکن دنبال «عناصر مثبت» در گزارش البرادعی افتاده، و چون هیچ نقطهٔ روشنی در کارنامهٔ پنهان‌کاری و دروغ و دغلش یافت نمی‌شود، هنوز گزارش مزبور به‌صورت رسمی علنی نشده و دستور کار شورای حکام قرار نگرفته، در وحشت از عواقب آن جیع و دادشان بلند شد. در گزارش محمد البرادعی ازجمله به‌مهمترین نکاتی که آخوندها تاکنون نسبت به‌آنها پنهانکاری فراتنه روند، اشاره شده و آمده است: «ایران بازرسان دیدبان هسته‌یی سازمان ملل را از بازدید از سایت‌های حساس این کشور منع می‌کند و «ایران سندی را که در آن دستورات مربوط به‌مونتاژ یک بخش کلیدی تسلیحات اتمی قید شده را به‌بازرسان آژانس نداده است. هم‌چنین: «استادی دربارهٔ ریخته‌گری و ماشین‌کاری فلز اورانیوم فقیرشده، طبیعی و مدعی شده در ایران وجود دارد که می‌تواند برای ساخت بمب هسته‌یی بسیار مفید باشد».

نگرانی از «تکرار رفتار برخی در شورای حکام»

پس از انتشار برخی نکات گزارش، پاسدار ویدعی معاون بین‌الملل دبیرخانهٔ شورای عالی امنیت آخوندها، از «احتمال تکرار رفتار سیاسی برخی در شورای حکام» ابراز نگرانی کرد و با اشاره به گزارش البرادعی، گفت: «درخواست‌های دیگری از ایران نیز مطرح شده است که نشان می‌دهد آژانس قصد پایان‌بخشیدن به‌درخواست‌های خود را ندارد. به گفتهٔ نمایندهٔ مجلس ارتجاع از بهار و کودر آهنگ، «البرادعی همانند گذشته با گزارش دو پهلو و مطرح کردن اتهامات به‌دنبال تداوم بازی غرب با پروندهٔ هسته‌یی ایران است. مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارتجاع نیز ضمن ابراز نگرانی از نتیجهٔ اجلاس شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی است که قصد غرب و البرادعی این است که «پروندهٔ هسته‌یی ایران را به‌نوعی باز، نگهدارند.

سندی که تصادفی داده شد!

در پی افشای خبر دسترسی به‌سند مهمی که حکایت از طرحی برای ساختن بمب اتمی داشت، واکنش آخوندها هم قابل توجه بود. ازجمله گفتند که این طرح بدون درخواست رژیم از سوی عبدالقادرخان فرستاده شده است! اما خبرگزاری فرانسه روز یکشنبه ۲۹ آبان، در گزارشی از قول دیپلمات‌ها نوشت «ممکن است رژیم ایران بر حسب اشتباه مدرکی را که چگونگی تولید یک بمب هسته‌یی را توصیف می‌کند تحویل بازرسان داده باشند. این کمی جرت‌انگیز است که آنها این مدرک را به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل دادند. بر اساس این گزارش «دیپلمات‌های دیگری گفتند، بازرسان آژانس آن را به‌سنتی بی سار اوراق نامرتبط که دیدبان هسته‌یی سازمان ملل مستقر در وین خواستارش بود پیدا کرده‌اند.

دو نکتهٔ گزارش البرادعی

کاسط جلالی، نمایندهٔ دبیر مجلس ارتجاع و مخبر کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی آن نیز بر روی دو نکتهٔ از گزارش البرادعی تأکید می‌کند که عبارتند از: «ایران مانع از بازرسی از سایت‌های حساس هسته‌یی خود شده است، نکتهٔ دیگر آن‌که در این گزارش آمده که ایران تمامی مدارک لازم را در ارائه نداده و درمورد منشأ لوگوهای ساترینفوزهای ی، هیچ‌نام‌هایمانی وجود دارد و ایران باید اجازه دهد تا بازرسان از دیگر سایت‌ها به‌ویژه سایت لوزیان بازدید کنند. هم‌زمان آخوندهای دجال مطابق شیوهٔ همیشگی به‌نمایش‌های مضحکی هم رو آورده‌اند. ازجمله اعلام کرده‌اند ابیش از ۱۲میلیون نفر بسیجی، در دفاع از حق انرژی هسته‌یی صام‌آمیز کشور روز ۵آذرماه راهپیمایی می‌کنند. با این همین روزها مجدداً بساط مضحکی را به‌صورت حلقه‌زدن زنان بسیجی با دختران معاویه در اطراف سایت‌های هسته‌یی با آغاز کرده است. با این تفاوت که این‌بار شماری از طلبه‌های بسیجی را هم قاپی کرده است. از طرفی روزنامهٔ واشینگتن‌پست از آغاز «فرآیند تبدیل اورانیوم در یک تأسیسات هسته‌یی مهم» خبر داد. گری سمیور، یک کارشناس در منع تکثیر تسلیحات هسته‌یی از بنیاد مک آرتور، دربارهٔ طرح‌های اتمی رژیم که در گزارش محرمهٔ محمدالبرادعی به‌آنها پرداخته شده است، گفت: چنین طرحی: «غنی‌سازی اورانیوم با درجهٔ بالا و به‌صورت نیمکه هر جز از تسلیحات هسته‌یی، برای هیچ هدف دیگری وجود ندارد. البته چند روز قبل از انتشار گزارش محمد البرادعی، پاسدار لاریجانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم اعلام کرده بود که «در این که فناوری هسته‌یی را دنبال کنیم تردید نکنید. این استراتژی نظام است اما می‌توانیم از تکنیک‌های مختلف برای رسیدن به این استراتژی استفاده کنیم و در این زمینه حدی نداریم. به‌رحال ترجیح می‌دهیم با مذاکره کار را پیش ببریم والا کار خود را ادامه می‌دهیم». پاسدار لاریجانی سپس تهدید کرد که: «باید پذیرند که ایران دانش فناوری هسته‌یی را داشته باشد.

فشار آوردن پیش از حد به ایران، ایران را مجبور می‌کند که از طرق دیگری کار خود را به‌پیش برد که معلوم نیست آنها در این اتفاق نفع خود را ببرند.

تاریخچهٔ طولانی از همکاری با تروریسم
در واکنش نسبت به گزارش البرادعی، جورج شولتز، سفیر آمریکا در وین، نسبت به‌استادی که می‌تواند به‌ساخت بمب اتمی منجر شود ابراز نگرانی کرده و گفت: «ایران به‌شورای حکام یک توضیح از

این که چرا این مدارک را داشته است، با آن چه کار کرده است و چرا در گذشته آنرا فاش نکرده است، به‌دکار است.» به گفتهٔ سفیر آمریکا حال معلوم می‌شود که «چرا شورای حکام هیچ اعتمادی به‌طبیعت صلح‌آمیز فعالیت‌های رژیم ایران ندارد.» از سوی دیگر جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، با اشاره به‌اجلاس آتی شورای حکام، دیکتاتوری آخوندی را رژیم‌یی توصیف کرد که «تاریخچهٔ طولانی از همکاری با تروریسم دارد.» بوش که سخنانش از شبکهٔ سی.ان.ان پخش می‌شد گفت: «در سال گذشته، آمریکا و متحدهاں در ابتکار امنیتی توسعهٔ هسته‌یی جلوگیری از یک دوچین محمولهٔ نکلورژی ملظون به‌هسته‌یی، ازجمله تجهیزات برای برنامهٔ موشک‌های بالستیک ایران را گرفته‌اند. ما با فوریت کار می‌کنیم تا سلاح‌های کشتار جمعی را از دسترس این فتنایتک‌ها خارج نگاه داریم. ما مصمم هستیم مقصر قتل مستند، هم‌چنین، سخنگوی وزارت کشور ایران تاریخچهٔ طولانی از همکاری با تروریسم دارند و آنها شایستهٔ هیچ صبری از طرف قربانیان ترور نیستند. آمریکا هیچ تفاوتی بین آنهایی که اعمال تروریستی انجام می‌دهند و آنهایی که از آنها حمایت می‌کنند، یا به‌آنها پناه می‌دهند، نمی‌بیند. زیرا که آنها به‌طور مساوی مقصر قتل هستند.» هم‌چنین، سخنگوی وزارت کشور فرانسه نسبت به‌آغاز فرآوری اورانیوم در سایت اصفهان هشدار داد و گفت: «فرآوری اورانیوم درست یک هفته پیش از نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌فرآیند اعتمادسازی آسیب می‌رساند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، سخنگوی وزارت خارجهٔ فرانسه از حکومت آخوندی خواست «تا فعالیت‌های فرآوری اورانیوم را در تأسیسات اصفهان انجام می‌شود، به‌حالت تعلیق درآورد.

اصلاً طرحی در کار نیست

برخی رسانه‌های خبری گزارش دادند که جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا، در دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، موافقت کشورش را با طرح غنی‌سازی اورانیوم توسط رژیم آخوندی در کردار روسیه اعلام کرده است. سایت آفتاب وابسته به‌جامع‌های رژیم به‌نقل از یک مقام ایرانی، نوشته: «امیدواریم که ایران با پذیرش این طرح، راهی برای خروج از بن‌بست برای خود قائل شود» به‌نوشتهٔ این منبع خبری رژیم «بسیاری از کارشناسان مسائل بین‌المللی تجزیه و تحلیل‌های متفاوتی را درخصوص منظور رژیم‌جمهور ایالات متحده از این موافقت استنباط کرده‌اند.» یک استنباط این است که «جورج بوش قصد دارد در صورت رد این طرح از سوی مقامات ایران، پوتین را به‌دادن رأی مثبت در خصوص ارجاع پروندهٔ ایران به‌شورای امنیت قائل کند.

خارجهٔ رژیم، در پاسخ به‌سوالی پیرامون طرح روسیه و موافقت آمریکا با آن، از اساس منکر وجود چنین طرحی شد و گفت: «روسیه اصلاً طرحی به‌ما نداده و ما هیچ طرح مدونی از روسه نگرفته‌ایم و من شما را در این خصوص به‌صحبت‌های خود آقای ابراهن ارجاع می‌دهم که اشاره کردند ما طرحی به ایران نداده‌ایم و تمام قضیه همین است.»

رأی پیشاپیش هند

هندوستان که به‌قطبانهٔم شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سپتامبر گذشته رأی مثبت داده بود و رژیم آخوندی از این بابت به‌شدت سوخته بود، این بار اول قبل از شروع جلسه موضع خود را صراحتاً بیان کرده و گفته است بآدادن «رای مخالف به‌رژیم ایران، سیاست خارجی خود را تقویت خواهد کرد.» نخست‌وزیر هند اعلام کرد، که این کشور در جلسهٔ ۲۴توایمیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با رأی مخالف به‌رژیم ایران، سیاست خارجی خود را تقویت خواهد کرد. به‌نوشتهٔ روزنامهٔ تایمز ایندیا چاپ هند، وی گفته است که سیاست خارجی هند مبنی بر جلوگیری از دستیابی کشورهای جدید منطقه به‌سلاح‌های اتمی می‌باشد.

تلاش برای پیشگیری از رفتن به‌شورای امنیت
روز یکشنبه مجلس ارتجاع «طرح یک فوریتی الزام دولت به‌تعلیق اقدامات اوپلطنانهٔ هسته‌یی را در صورت ارجاع پروندهٔ هسته‌یی ایران به‌شورای امنیت سازمان ملل متحد تصویب» کرد. به‌نوشتهٔ یکی از سایت‌های حکومتی «برخی ناظران هم‌چنین گفته‌اند که تصویب چنین طرحی اقدامی بازدارنده به این جهت است که تیم مذاکره‌کننده هسته‌یی بتواند از این مصوبه برای پیشگیری از ارجاع پروندهٔ ایران به‌شورای امنیت استفاده کند. اما مخالفان تصویب این طرح معتقدند: تصویب این طرح وضعیت پروندهٔ هسته‌یی ایران را در نشست توایمیر دشوارتر خواهد کرد.

محکومیت به‌خاطر نقض فاحش حقوق بشر

علاوه بر بحران هسته‌یی که آخوندهای حاکم در گرداب آن گرفتار آمده‌اند، در آخرین روزهای هفته جاری، کمیتهٔ سوم سازمان ملل متحد، بعدازظهر جمعه دیکتاتوری آخوندی را به‌دلیل «نقض فاحش حقوق‌بشر» محکوم کرد. در این قطعه‌ای که در کمیتهٔ سوم و با ۱۷رای مثبت، ۱۵رای منفی و ۴رای ممتنع به‌تصویب رسید، رژیم ضدبشری آخوندی به‌خاطر «اعمال شکنجه و انتقام‌های بیرحمانه مانند قطع عضو به‌عنوان قصاص و اعدام در ملاعام و تبعیض علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی و نقض حقوق آنان» محکوم شده و مورد حساسی‌رس قرار گرفته است. هم‌چنین در این قطعه‌ای هم‌چنین «ارعاب و پیگرد مدافعان حقوق‌بشر، درگاه‌نشان، مخالفان حکومت، مخالفان کارگران و روشنفکران، اعلام انذار شده و محکوم گردیده به‌دنبال این محکومیت و رسوایی در واکنش از پاسدارهای سیاسی آن، دیکتاتوری آخوندی، سخنگوی وزارت خارجهٔ خود را به‌صحنه فرستاد و مطابق معمول واقعیت‌های عنوان‌شده در قطعه‌ای را تحریف و معیشتار تصویف کرد. آصفی سخنگوی وزارت خارجه آخوندی مدعی شد که «کانادا در جایگاهی قرار ندارد که دربارهٔ حقوق‌بشر به‌داوری بنشیند.» سخنگوی وزارت خارجهٔ دیکتاتوری آخوندی بدون اشاره به این که کدام یک از شکنجه‌گرانی که اکنون در دولت پاسدار احمدی‌نژاد گرد آمده‌اند، می‌توانند در دفاع از حقوق‌بشر بگویند، با وقاحت مدعی شد که «این قطعه‌ای بخشی را تلاش برای انحراف افکار عمومی محسوب می‌گردد و مفاد آن هیچ ارتباطی با وضعیت واقعی در ایران نداشته و دربرگیرندهٔ تحریفات

و بدنیامی‌ها در زمینه‌های حقوق‌بشری است.»

محکومیت در پارلمان اروپا
در یک قطعه‌ای دیگر وی لی بار از سوی پارلمان اروپا، دیکتاتوری آخوندی به‌خاطر عریه‌د کشی و فراخوان تفر محکوم شد. پارلمان اروپا در قطعه‌ای خود با اشاره به‌عریه‌دکش‌های پاسدار احمدی‌نژاد علیه کشورهای منطقهٔ خاورمیانه «این اظهارات را باعث نگرانی نسبت به‌نقش رژیم در منطقه و مقاصد آتی این کشور خواند.» قطعه‌ای پارلمان اروپا با تأکید بر «حمایت از گروه‌های تروریستی» از این رژیم می‌خواهد که «از هرگونه حمایت از چنین گروه‌هایی دست بردارد.» هم‌چنین خاتم مرکل صدراعظم جدید آلمان در اولین موضع‌گیری خود علیه دیکتاتوری آخوندی، تهدیدهای پاسدار احمدی‌نژاد را محکوم کرد و گفت «منی‌توانم هیچ گونه شک‌هایی در این‌باره داشته باشم.» به گزارش خبرگزاری‌ها: امر کل قول داده است روابط با آمریکا را بهبود ببخشد و با واشینگتن و دیگر قدرتهای مهم اروپایی برای کمک به جلوگیری از دستیابی ایران به‌سلاح هسته‌یی همکاری کند.»

خودش نفت یا راه ندادند؟

در گرماگرم محکومیت‌های رژیم، ناگهان اعلام شد، سفر پاسدار احمدی‌نژاد به‌تونس لغو شد. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایسنا دوشنبه ۲۳آبان، سفر پاسدار احمدی‌نژاد «قرار بود روز سه‌شنبه به کشور تونس و برای شرکت در اجلاس سران کشورها در خصوص جامعهٔ اطلاعاتی صورت گیرد.» برخی خبرهای تأییدشده حاکی است، دیکتاتوری آخوندی نسبت به‌تفر و انحراف جهانی علیه آخوندها، به‌شدت نگران است و از ترس واکنش‌های رسمی و غیررسمی احتمالی سفر پاسدار احمدی‌نژاد را لغو کرده است.

آسیب‌های خیلی خطرناک در راهند

تشنت و به‌توربخشکی در دستگاه ولایت‌قیه با وجود «دولت یک‌پدست» چنان شدت و حدتی گرفته که رفسنجانی در گردم‌های سراسری ائمهٔ جمعهٔ نظام با ابراز وحشت از آیندهٔ دیکتاتوری آخوندی گفت: «وحدت و انسجام ملی آسیب‌دیده و آسیب‌های نیز در راه است و کسانی که حکومتی ملی را مخدوش می‌کنند باید مورد سؤال قرار گیرند. نمی‌توانم صریحاً عوامل این آسیب را معرفی کنم اما اگر وحدت و انسجام ملی آسیب ببیند خیلی خطرناک است.» رفسنجانی جنگ بی‌پایان جناح‌های رژیم را «خوره» در تاروچای دیکتاتوری آخوندی توصیف کرد و افزود: «جامعهٔ امروز به‌دقت تقسیم شده و بعضی‌ها با حالت تهاجمی رفتار می‌کنند. جریان‌های امروز سعی دارد افراد با ارزش کشور و مدیران شایسته را طرد و منزوی کند و این آفت مانند خوره به‌جان کشور افتاده است.» رفسنجانی در روز قبل‌تر از آن نیز ولی‌قیهٔ رژیم صریحاً با دفاع از پاسدار احمدی‌نژاد بر «حفظ وحدت و هوشیاری» تأکید کرده و گفته بود: «باید برای هرگونه ازبایی به‌رئیس‌جمهور و اعضای دولت امکان و فرصت کار داده شود اما متأسفانه به‌رغم گفت‌وگو ها و مام و نیم از آغاز به‌کار دولت جدید، برخی توقعات و انتظاراتی مطرح می‌شود که شش ماه و یا یکسال بعد از آغاز به‌کار دولتهای قلی، آنها مطرح نمی‌شد.

پاسدار احمدی‌نژاد نیز یک روز بعد طی سخنانی با حضور همان ائمهٔ جمعه، با اشارهٔ آشکاری به رفسنجانی به اظهارات او درمورد برخورد ر «مفسدان اقتصادی» پاسخ داد و گفت: «شخصی که در ۱۵هاتمدیره عضویت دارد و از هر کدام دو میلیون تومان دریافت می‌کند طبیعی است که علیه این دولت حرف بزند. این اظهارات احمدی‌نژاد در پاسخ به این بخش از صحبت‌های رفسنجانی بود که گفته‌بود «اگر می‌دانید که چه کسی مفسد اقتصادی است، نام آن را اعلام کنید و به‌مجازات برسانید.»

در چنین شرایطی که سگ‌دعوی درونی باندهای رژیم بالا گرفته است، یل‌الله اسلامی، نمایندهٔ سابق مجلس ارتجاع از بلند شکست‌خوردهٔ خاتمی نیز فرصت را غنیمت شمرده و به‌بهانهٔ گزارش البرادعی در مورد پرونده هسته‌یی رژیم، تلویحاً پاسدار احمدی‌نژاد را مسبب ایجاد این بحران معرفی کرد و خواستار محسب ایجاد وی شد. وی گفت: «بناظر من گزارش البرادعی نسبت به‌قبل دوپهلوتر است و اکنون کسانی که مدعی بودند نگاه آژانس تغییر کرده و گزارش البرادعی مثبت خواهد بود، باید جواب دهند.» از سوی دیگر ارتباط‌های بعدی پاسدار احمدی‌نژاد برای وزارت نفت به‌نام «سلطی» هنوز نایمده زیر علامت سؤال رفته است. در برخی محافل رژیم گفته می‌شود که وی دارای «کلیک کارت» از آمریکاست و دخترش نیز دارای اقامت دائم انگلستان است. ایرج ندیمی، نمایندهٔ مجلس ارتجاع از لایحه‌این درمورد سومین کانددیای پست وزارت نفت کاندیدای تصویب این طرح معتقدند: «اگر خبر گرین کارت‌داشتن سلطی، گرینهٔ پیشنهادی احمدی‌نژاد برای تصدی وزارت نفت، صحت داشته باشد مشکلات ایشان بسیار زیاد می‌شود و امکان رأی‌نیاوردنشان وجود دارد.»

خشم مردم مهاباد در واکنش به یک جنایت دیگر

روز یکشنبه ۲۹آبان، در پی قتل جنایتکارانهٔ یک جوان مهابادی توسط مزدوران سرکوبگر نیروی انتظامی، مردم مناطق مختلف این شهر به‌خیابان‌ها ریخته و مأموران رژیم به‌رویابویی و درگیری پرداختند. بنابه گزارش‌های رسیده، اعتراضات زمانی آغاز شد که مزدوران رژیم قصد زرو گویی به دو جوان را داشتند که با مقاومت آنها ربه‌رو شدند و سرانجام منجر به‌درگیری بین دو جوان و مزدوران مسلح نیروی انتظامی شد که سرانجام یکی از آنها هدف گلولهٔ مزدوران جنایتکار قرار گرفت و کشته شد. جوان دیگر با سلاح سرد به‌دفاع برخاست و یکی از مزدوران را مورد تهاجم قرار داد و به‌سختی مجروح کرد. در پی این جنایت، مردم محله‌های پشت‌تپه و باغ‌شایگان در مهاباد دست به‌تظاهرات زدند که با پورش وحشیانه و شلیک تپوی انتظامی مواجه شد. خبرگزاری رژیم (فارس)، جوان کشته شده را «یکی از اوباش اراذل توصیف کرد» و با این عنوان که گویا دو جوان ادر مقابل مدراس ایجاد مزاحمت می‌کردند، تلاش کرد جایب مزدوران رژیم را توجیه کند. این منبع خبری آخوندی به‌نقل از سخنگوی نیروی انتظامی رژیم افزود که این جنایت «واکنش مردمی به‌دنبال نبوده است.» اما خبرگزاری دیگر رژیم به‌نام ایرنا دم خروس ملا را بیرون زد و بدون اشاره به‌تظاهرات خشمگینانهٔ مردم نوشت: «آنان‌امی در بخشی از حاشیهٔ شهر مهاباد که به‌شست‌تپه و باغ‌شایگان معروف است، جوانی ساعت ۱۴ با متفرق‌شدن مردم پایان یافت. در زمان حاضر کارگران شهرداری در حال پاک‌سازی محل آآزاری هستند.»

رژیم ضدبشری آخوندی با تخریب گورستان خاوران مرتکب جنایت دیگری می‌شود

به‌دستور احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم ضدبشری آخوندی، طی دو هفته اخیر در یک اقدام جنایتکارانه سنگ مزار زندانیان سیاسی اعدام شده در گورستان خاوران، منهدم شده و درخت‌های گورستان را از بین برده‌اند. روز هشتم شهریورماه ۸۴، دیرخانهٔ شورای ملی مقاومت، طی اطلاعیه‌یی فاش کرد: رژیم ضدبشری آخوندی قصد دارد گورستان خاوران در شرق تهران، محل گورهای دسته‌جمعی شهدای اقل قتل‌عام سال۱۳۳۷ را تحت عنوان بازسازی، به‌یک گورستان عادی تبدیل کرده و به این وسیله بهترین سند باقیمانده از کشتار ۳۰هزار زندانی مجاهد و مبارز را از میان ببرد و این موضوع چندی پیش برای اولین‌بار از سوی خامنه‌ای، رهبر رژیم در دستور کار احمدی‌نژاد، شهردار وقت تهران، قرار گرفت.

مقاومت ایران سازمان‌های طرفدار حقوق‌بشر، خانواده‌های شهدای قتل‌عام سال۱۳۳۷ و کلیهٔ مدافعان حقوق‌بشر در سراسر دنیا را به‌محکوم کردن این اقدام جنایتکارانه فرا می‌خواند.

دیربرخهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۳۰آبان۱۳۸۴ (۲۱توایمیر۲۰۰۵)



اطلاعیهٔ دبیر خانهٔ شورای ملی مقاومت خامنه‌ای با حمایت همه‌جانبه از احمدی‌نژاد، با باندهای رقیب را به سکوت فرامی‌خواند

ابر از نگرانی رفسنجانی از تصفیهٔ گسترده در بدنهٔ نظام

خامنه‌ای رهبر رژیم آخوندی در دیدار دوشنبهٔ خود با ائمهٔ جمعه که از سراسر کشور جمع کرده‌بود، به‌حمایت همه‌جانبهٔ از پاسدار احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور رژیم پرداخت و گفت: «از دولت یابستی حمایت کرد. از دولت کنونی ما به‌خصوص رئیس‌جمهور، در بعضی اظهارات انصافاً نفعاً غیرمنصفانه حرف زده می‌شد و قبضات می‌شد. نقض‌های در وجود دارد نمی‌تواند محصول کار این دولت اصلاً باشد. خامنه‌ای انتقاده‌ا و مطالب برخی روزنامه‌ها نسبت به‌دولت جدید را غیرمنصفانهٔ توصیف کرد و گفت: «باید از هر گونه اقدام و سخنی که باعث عمیق‌تر شدن کدورت‌های دوران انتخابات می‌شود، جدا بپذیر کرد.» هدف خامنه‌ای از جمع کردن ائمهٔ جمعه، توجیه آنها نسبت به‌تصفیهٔ گستردهٔ باندهای رقیب از بدنهٔ نظام است که پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد شروع شده است. وی هم‌چنین برای تصفیه‌های بیشتر زمینه‌سازی می‌کند. روز بعد رفسنجانی در اجتماع ائمهٔ جمعه به کلاه برداخت و گفت: متأسفانه وحدت و انسجام ملی به‌شدت در معرض آسیب است و درحال‌حاضر نیز بسیار آسیب دیده است. ... امروز عدلیه حالت تهاجمی گرفته و تخریب عملکرد گذشته و تسویه و تخراب عمومی و کار گذاشتن افکار مستعد و توانمند را در پیش گرفته‌اند. این وضعیت مانند خوره، نظام و کشور را آزار می‌دهد. ... نباید انرژی ما صرف این شود که عدلیه را بیرون کنیم و جمعی را طرد کنیم.» رفسنجانی که خود و خانواده‌اش با غارت و چپاول سرمایه‌های مردم ایران به‌ثروتهای نجومی دست یافته‌اند، گفت: «مبارزه با مفاسد اقتصادی بسیار خوب است، اما نباید از این راه چهرهٔ افراد تخریب شود و برای برخی مقاصد دیگر استفاده شود.»

وی در تلاش برای ممانعت از محدود‌ترشدن اختیاراتش به‌حمایت از احمدی‌نژاد پرداخت و تأکید کرد: «کار ما در مجمع تشخیص مصلحت دخالت در تشکیلات اجرایی و مزاحمت برای مجریان نیست، کار ما این است که نظارت برسانیم.»

آخوند روحانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت رژیم، که این روزها پروندهٔ دوسال گذشته‌اش در جریان مذاکرات اتمی به‌شدت زیر علامت سؤال رفته است در همان جلسه به‌دفاع از کارنامهٔ رفسنجانی و خاتمی پرداخت و گفت: «در سه ماهی که دولت جدید آغاز به کار کرده دو بار بحث ارجاع رقیب هسته‌یی ما به‌شورای امنیت مطرح شده و یک بار با سوءاستفاده از کلمات یک سخنرانی رئیس‌جمهور موضوع را به‌شورای امنیت کشانده‌اند. او با اشاره به‌تصفیهٔ گستردهٔ درون رژیم، گفت: «باید همهٔ افرادی که مبنای انقلاب، قانون اساسی و رهبری را قبول دارند، مجال حضور و مشارکت در ادارهٔ امور را بیابند. ... تا به‌هنگام پیش آمدن مخاطرات نیز همه‌جانبه آمادهٔ دفاع از نظام باشند. ... او که نسبت به شکل‌گیری جریان‌های مخفی و زیرزمینی هشدار می‌داد، گفت: «وقایع را نه می‌توان به‌زور ابراهین کرد و نه می‌توان نسبت به‌آن بی‌تفاوت بود.» روحانی که سخنانش با اعتراض شدید ائمهٔ جمعه مواجه و باعث تشنج شده بود، بدون این که به‌سؤال‌ات جواب بدهد جلسه را ترک کرد.

به این ترتیب خامنه‌ای که با روی کارآوردن پاسدار احمدی‌نژاد، دست به‌یک جراحی بزرگ و بسپایقه در بالای رژیم زده‌بود، امروز به تصفیهٔ هر چه گسترده‌تر باندهای رقیب در بدنهٔ نظام پرداخته است. خامنه‌ای بیپرده تلاش می‌کند با حفظ انسجام این رژیم قرون وسطایی، افروزش سرکوب، کشتش صدور بنیادگرایی و تروریسم و تسریع پروژه‌های اتمی، از سقوط محتم رژیمش جلوگیری کند. اما رژیم غرقه در بحران آخوندی که در ۹۵صد مردم ایران خواستار تغییر آن هستند، با این تشنیت‌ها نه به‌انجام دست خواهد یافت و نه ثبات و هرگز قادر به‌جلوگیری از سقوط محتم خواهد

دیربرخهٔ شورای ملی مقاومت ایران
۲۵آبان۱۳۸۴ (۱۶توایمیر۲۰۰۵)



یک جنایت هولناک در زندانهای رژیم

یک جوان ۱۷ساله در زندان عادل آباد بر اثر تجاوز د زندانی عادی به‌وی، به‌قتل رسید

سایت حکومتی وزارت‌باز در روز ۲۸آبان، با اعتراف به یک نمونه از جنایات روزانهٔ رژیم در زندانهایش، نوشت: در ادامهٔ شرایط اسفبار حاکم بر مدیریت زندانهای استان فارس، نوجوانی هفده ساله که به‌خاطر سرقت دستگیر شده بود، بر اثر تجاوز پنج زندانی شرور در زندان عادل‌آباد فارس به‌قتل رسید. این حادثه که سومین پیایی زندانیان در استان فارس در پاییز اسمال به‌شمار می‌رود، بر اثر تعلیلیت بند نوجوانان زندان عادل‌آباد و بازرسانی این بند برای تبدیل‌شدن به‌فضای مورد نیاز برای اجرای پروژهٔ روانشناسی تعدادی از دوستان آقای «ش» معاون متنفذ سازمان زندان‌ها صورت می‌گیرد.

با کشف مرکز بازجویی و شکنجه در یک ساختمان وزارت کشور عراق، پرده از جنایات هولناک عوامل رژیم آخوندی در عراق بر داشته شد

لس آنجلس تایمز: نیروهای آمریکایی به‌مجموعهٔ وزارت کشور تحت حمایت رژیم ایران تهاجم کردند بیش از ۱۷۰ زندانی شکنجه‌شده در وضعیتی وخیم محبوس بودند، برخی فلج و برخی پوستشان کنده شده بود

رسوایی بزرگ رژیم آخوندی در عراق

فراخوان به‌جمع‌کردن بساط شکنجه و کشتار رژیم ایران در عراق و فراخوان به آزادی دو مجاهد ربوده شده

کشف یک زندان مخفی در جادریهٔ بغداد که توسط عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق کنترل و اداره می‌شد، همگان را شوکه کرده است. به‌گزارش منابع خبری، بیش از ۱۷۰ زندانی شکنجه‌شده که به‌شدت از کمبود تغذیهٔ رنج می‌بردند، در این زندان نگهداری می‌شدند. شماری از بازداشت‌شدگان در اثر شدت شکنجه فلج شده بودند و پوست شمار دیگری از آنها کنده شده بود. برخی از زندانیان درحال مرگ به‌سر می‌بردند. این افراد به‌صورت غیرقانونی و بدون هیچ مدرکی در بازداشت به‌سر می‌برده‌اند.

شکنجه‌گاه کشف شده و جنایتی که در آن صورت گرفته است تنها بخش کوچکی از جنایات رژیم ضدبشری آخوندی در عراق است.

روز ۱۳ مرداد۸۴ دو مجاهد خلق توسط عوامل رژیم آخوندی در بغداد ربوده شدند. سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه‌یی در ۱۷ مرداد ۱۳۸۴ (۸کوت۲۰۰۵)، اعلام کرد: مجاهدان خلق حسین پویان و محمدعلی زاهدی در خیابان کراوهٔ خارج بغداد، توسط نیروهای رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ربوده شدند. گروگانها ابتدا به‌محل این وزارتخانه برده شدند و سپس از آن با دو ماشین پاترول سفید رنگ از درب پستی وزارت کشور به‌محل نامعلومی منتقل شدند. همان زمان سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد اکپب تفرقه‌یی که آقایان پویان و زاهدی را ربودند به‌صورت یک اکپب گشت در منطقهٔ جادریه و کراوهٔ خارج بغداد کار می‌کنند. این دو مجاهد خلق که هر دو تحت حفاظت کنوانسیون چهارم ژنو قرار دارند هم‌چنان در اسارت و تحت شکنجه به‌سر می‌برند. آقای پویان، هم‌چنین از حق پناهندگی سیاسی در ایتالیا برخوردار است. مقاومت ایران، جامعهٔ جهانی را به‌کوتاه کردن دست آخوندهای حاکم بر ایران، از عراق و جمع کردن بساط شکنجه و کشتار آنان از این کشور و پایان‌دادن به‌صحنه‌هایی که تنگ بشریت معاصر است، فرا می‌خواند. صدور تروریسم و بنیادگرایی و استقرار یک حکومت دست‌نشانده در عراق، یک بخش ضروری از استراتژی آخوندها برای حفظ حکومت ننگین خود می‌باشد.

مقاومت ایران، دولت عراق، نیروهای چندملیتی و نه سازمانهای مدافع حقوق‌بشر را به‌تلاش برای آزادی و همت جان دو مجاهد ربوده شده که هم اکنون ۱۰۵روز است توسط نیروهای رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ربوده شده‌اند فرا می‌خواند.

دبیرخبر شورای ملی مقاومت ایران

۲۵ آبان ۱۳۸۴ (۱۶نوامبر ۲۰۰۵)

در پی افشای شکنجه‌گاه عوامل رژیم آخوندی صلیب‌سرخ‌جهانی‌خواستار تحقیق و کشف حقایق شد

در پی افشای شکنجه‌گاه عوامل رژیم ایران در ساختمان وزارت کشور عراق، صلیب سرخ بین‌المللی اعلام کرد خواستار کشف حقایق در مورد خبر شکنجهٔ بیش از ۱۵۰ زندانی که در دست وزارت کشور عراق بودند، می‌باشد. یک سخنگوی صلیب سرخ پس از اعلام این که به‌نظر می‌رسد این زندانیان مورد شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند، گفت این اولین باری است که از وجود چنین زندانی خبردار می‌شوند.

سازمان عفو بین‌الملل نیز از نخستوزیر عراق خواست در مورد تمامی اتهامات مربوط به شکنجه که توسط نیروهای وزارت کشور عراق صورت گرفته است، تحقیقات به‌عمل یابورد.این سازمان هم‌چنین خواهان علنی‌شدن نتایج این تحقیقات‌شد.سخنگوی عفو بین‌الملل گفت: «گزارشهای زیادی در مورد شکنجه و بدرفتاری با دستگیرشدگان عراقی توسط پلیس عراق و نیروهای امنیتی وابسته به وزارت کشور وجود داشته است». وی افزود: «عفو بین‌الملل به‌تازگی اطلاعاتی به‌دست آورد که نشان می‌داد چهار نفر در حالی که توسط نیروهای امنیتی عراق بازداشت شده بودند شکنجه گردیدند

هشدارهای سازمان ملل متحد در بارهٔ آزادی عمل شبه‌نظامیان مسلح و سازمانهای تروریستی در عراق

تولزیون الشرقیهٔ ۲۳آبان از گزارش و هشدار سازمان ملل متحد نسبت به نقض حقوق‌بشر در عراق خبر داد و گفت: ملل متحد ضمن ابراز نگرانی به خاطر افزایش دستگیری افراد خاطرنشان کرده است که گسترش شبه‌نظامیان مسلح و سازمانهای تروریستی و جانی که از مجازات در امان هستند تهدید اصلی برای قانون و نظم و نظام و برای جان شهروندان می‌باشند.

الشرقیه می‌افزاید: در گزارش سازمان ملل متحد تأکید شده که برخی از این جرائم توسط افرادی که لباس پلیس و ارتش به تن دارند و از تجهیزات و دستگاههای خاص پلیس و ارتش استفاده می‌کنند صورت می‌گیرد. تلویزیون الجزیره نیز خبر داد: «شیخ مجید زنگنه، عضو هیات علمی مسلمین در بغداد ترور شد.

خبرگزاری رویتر روز سه‌شنبه ۲۴ آبان، از بغداد خبر داد که یک زندان مخفی با ۱۷۰ زندانی در یک مخفی‌گاه بزرگ متعلق به وزارت کشور عراق توسط نیروهای آمریکایی کشف شده است. بسیاری از آنها شکنجه شده و کتک خورده‌اند و بسیاری دچار سوء‌تغذیه هستند و پوست برخی از آنها کنده شده است. منابع نظامی آمریکایی گفتند این زندان در روز یکشنبه درجریان جستجوی نیروهای آمریکایی که به‌دنبال یک کودک پانزده‌ساله بودند، محاصره و کشف شد. زندانیان در یک سلول زیرزمینی نزدیک یک مجموعهٔ وزارت کشور در یک منطقهٔ مرکزی به‌نام جادریه بودند. بسیاری از زندانیان آثار گرسنگی و شکنجه را روی بدنهای خود نشان می‌دادند.

مقامات عراقی وجود کشف این شکنجه‌گاه را تأیید کردند. ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر عراق به‌خبرنگاران گفت: من از وجود ۱۷۳ زندانی در زندان وزارت کشور مطلع شدم که به‌نظر می‌رسد دچار سوء‌تغذیه هستند. صحبتهایی هم در مورد حالتهایی از شکنجه وجود داشته شده است.

حسین کمال، معاون وزارت کشور رقم ۱۶۱ نفر را داد وی به‌خبرنگار رویتر گفت: «از رفتاری که با آنها شده است کجج شده است. وی گفت: با آنها بدرفتاری شده است. من چنین رفتاری را طی دوسال گذشته در بغداد ندیده بودم. این بدترین رفتار است. من علامت رفتار فیزیکی وحشیانه را بر روی آنها دیدم. یک یا دو نفر از زندانیان فلج شده بودند و پوست بدن تعدادی از آنها کنده شده بود. وی گفت این یک رفتار کاملاً غیرقابل قبول است و توسط کلیه عراقیان محکوم می‌شود». وی گفت: کلیهٔ زندانیان با احکام دستگیری زندانی شده بودند.

بسیاری از زندانیان از اعراب سنی هستند. اعراب سنی عراق، شبه‌نظامیان وابسته به‌وزارت کشور را منهم می‌کنند که افراد را بدون اتهام مشخص دستگیری می‌کنند.

فاش شدن جنایات عوامل رژیم آخوندی در قالب نیروهای وزارت کشور عراق

با کشف شکنجه‌گاه جادریه متعلق به‌وزارت کشور عراق، پرده از جنایات هولناک عوامل رژیم آخوندی که در قالب نیروهای این وزارتخانه تاکنون جنایات متعددی را مرتکب شده‌اند، رداشته شد. گزارشرگر سی.ان.ان از این صحنه چنین گزارش داد: زندانیان، عراقیانی هستند که توسط وزارت کشور عراق محبوس شده بودند. به‌گزارش تلویزیون بی.بی.سی این زندانیان به‌صورت غیرقانونی و بدون هیچ مدرکی نگهداری می‌شدند. بی.بی.سی افزود: یک مقام پلیس به‌ما گفته است که اعضای تیپ بدر در این ساختمان کار می‌کردند. این یک مشکل جدی در عراق است که نیروهای جنگ‌طلب در پلیس نفوذ کرده‌اند.

وزارت کشور مرکزی برای افسران پلیس وابسته به نیروی بدر بود

عوامل رژیم در نیروی بدر که ادارهٔ این زندان را در دست داشتند، هنگام مراجعهٔ نیروهای آمریکایی برای بازرسی زندان، قصد پوشاندن جنایات خود را داشته و گفته بودند تنها ۷ زندانی در این‌جا وجود دارد، ولی وقتی آمریکاییها وارد زندان شده بودند با چهار برابر زندانی شکنجه‌شده مواجه شده بودند. روز دوشنبه ۲۳ آبان، روزنامهٔ لس‌آنجلس تایمز با درج این خبر، نوشت: به‌گفتهٔ یک سیاستمدار عراقی که در نزدیکی این محل زندگی می‌کند، این وزارتخانه، مرکز برای افسران پلیس وابسته به‌نیروی بدر بود. این روزنامهٔ افزود: «فلاح نقیب که عضو پارلمان و وزیر کشور سابق است، گفت او از پرونده‌هایی مطلع است که نشان می‌دهد پلیس عراق با زندانیان بدرفتاری کرده‌اند. لس‌آنجلس تایمز هم‌چنین نوشت: مقامات آمریکایی طی هفته‌های اخیر نگرانیهای خود مبنی بر حضور نیروهای شبه‌نظامی در میان پلیس عراقی و مرگهای مشکوکی که صورت می‌گیرد، ابراز کرده‌اند. تعداد زیادی جنازه که با دستهای بسته و شلیک گلوله به‌سرشان اعدام شده بودند، در بغداد و جاهای دیگر در سراسر عراق پیدا شده است. خوشایوندان مقولین اغلب می‌گویند آخرین باری که عزیزان خود را دیده‌اند هنگامی بوده که افسران پلیس عراق آنها را می‌بردند.

فریاد دادخواهی مردم عراق که به‌شکنجه و کشتار معترض بودند تاکنون به‌جایی نرسیده بود

از ابتدای روی کارآمدن دولت جعفری، که تحت نفوذ رژیم ایران است، هر روز خبر از قتل و کشتار دسته‌سده از مردم عراق به‌گوش می‌رسید. بسیاری از مردم عراق شاهد دستگیری عزیزان خود بوده و پس از مدتی با اجساد شکنجه‌شدهٔ آنها مواجه می‌شدند. بسیاری از مردم، شخصیتها و احزاب عراقی به‌این امر معترض بوده و به‌ارگانهای مختلف دولت عراق شکایت می‌کردند اما کسی پاسخگویی آنها نبود.

افشای این شکنجه‌گاه باعث اعتراض مجدد بسیاری از مردم، شخصیتها و احزاب عراقی شد. مردم برخی از شهرها ازجمله بعقوبه و کوث دست به‌تظاهرات زدند.

به‌گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز سه‌شنبه ۲۴آبان، محسن عبدالحمید، رئیس حزب اسلامی عراق، گفت: بیش از این شخصاً با مقامات دولت ازجمله نخست‌وزیر، در مورد شکنجه در مراکز بازداشت وزارت کشور «از جمله در جادریه» صحبت کرده است، اما آنها به شکایت او توجهی نکرده‌اند.

عدنان الدلییمی، یکی از رهبران سنی نیز، گفت که وی پیش از این در مورد دو مرکز وزارت کشور یکی در غرب بغداد و دیگری در تاجی در شمال پایتخت به‌دولت شکایت کرده بود. وی و شمار زیادی از سیاستمداران سنی خواهان تحقیقات بین‌المللی شده‌اند. طارق الهاشمی، دبیرکل حزب اسلامی عراق، در پاسخ به‌این سؤال تلویزیون العربیه که آن‌چه که کشف شده تنها ترک یک کوه سواً است، آیا احتمال دارد که زندانهای دیگری نیز کشف شود؟ گفت:

من نیز همین انتظار را دارم و به همین دلیل یک فراخوان فوری به نیروهای آمریکایی دادم که به‌صورت فوری همهٔ مناطق مشکوک بغداد و همهٔ استانها را بازرسی کنند، ما از چند ماه قبل و به‌طور مشخص از زمان تشکیل این دولت گفته بودیم که در مناطق مختلف قرارگاهها و مراکز شکنجه وجود دارد. وی افزود: حزب اسلامی از ابتدا نقض حقوق‌بشری که در دولت فعلی در آن دست داشت را افشا کرده بود. این عکسها و این سی.دی.هایی که داریم به دولت داده

رسوایی زندان مخفی وزارت کشور عراق و نقش رژیم ایران زندان جادریه توسط یک افسر اطلاعات رژیم ایران اداره می‌شده است

مرکز اطلاع رسانی ایلاف در ادامه نوشت: به‌رمع تلاش برای حل‌وفصل این تضاحت که از رسوایی زندان ایوبغربی بالزا است، اطلاعات دریافتی حاکی از آن است که این بازداشتگاه وابسته به وزارت کشور، تحت مسئولیت سرلشکر احمد مهندس که به «ابو مهدی مهندس» معروف است و یکی از افسران بلندپایهٔ اطلاعات ایران می‌باشد، قرار دارد. نیروهای چندملیتی در میان زندانیان تعدادی زن نیز یافتند. منابع مطلع روشن ساختند این بازداشتگاه توسط گروهی ویژه در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات ایران اداره می‌شد و بین این گروه

بودیم و برای سازمان ملل نیز فرستاده بودیم و به طرفهای آمریکایی و به‌سازمان حقوق‌بشر نیز داده بودیم. هاشمی گفت مدارک فوق الذکر حاکی از مرگ ۲۸ سنی در زیر شکنجه که اجساد آنها در آشغال‌دانها و در کنار رودخانه رها شده بودند، می‌باشد. پوست برخی با اسید سوخته بود و برخی توسط مته برفی بدبشنان سوراخ شده بود. هاشمی نیروهای یاغی بدر در داخل وزارت کشور را مسئول دستگیریها و شکنجه‌یی که بعد از آن صورت می‌گیرد، دانست. هاشمی گفت آنها با نشان دادن کارت شناسایی پلیس و لباس سوار بر ماشینهای وزارت کشور با پیسمپهای رسمی دولتی و لباس یونیفرم پلیس به افراد نزدیک شده و آنها را دستگیری می‌کنند. تمامی اینها نشان می‌دهد که یورشها تحت نظر وزارت کشور و به‌طور رسمی انجام می‌شود.

به‌گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس در روز ۲۵آبان صالح مطلق، سخنگوی شورای گفتگویی ملی عراق گفت شکنجه و رفتار غیرانسانی در بازداشتگاههای وزارت کشور به‌طور جریان وار صورت می‌گرفت و افراد سپاه بدر که بال نظامی بزرگترین حزب شیعهٔ عراقی هستند، در نیروهای امنیتی و پلیس عراق به‌طور گسترده‌یی نفوذ کرده‌اند.شکنجه‌گران سربرخی از دستگیر شدگان عراقی را با مته برفی سوراخ کرده و جسد آنها را در خیابانها و یا گودالها ه‌امی کردند.

هم‌چنین شیخ عبدالسلام الکبسی، مسئول روابط عمومی هیأت علمای مسلمین، طی یک کنفرانس مطوعاتی، خواستار اجرای تحقیق بین‌المللی درمورد اعمال شکنجه در عراق، به‌ویژه در زندان وزارت کشور در جادریه شد.

وزیر کشور سابق عراق: در این محل علاوه بر شکنجه، کشتار نیز صورت گرفته است

خانواده‌های شکنجه‌شده‌ها و قربانیان متقاعد شده‌اند که دولت دشمن آنهاست

تولیزیون سی.ان.ان صبح روز ۲۷ آبان، گزارش داد: منتقدین دولت عراق چه در درون و چه در خارج آن می‌گویند ابعاد بدرفتاری با زندانیان بسیار بیشتر از آن است که وزیر کشور درود دفع از آن برآمد. تلویزیون سی.ان.ان با نشان‌دادن تصاویر ساختمانی که تا چند روز پیش ۱۷۰ زندانی در آن محبوس شده و بسیاری مورد شکنجه قرار گرفته بودند، گفت این جا جایی است که وزارت کشور اقرار کرده در آن شکنجه صورت گرفته است. نگرانی از این



است که شکنجه در این ساختمان به‌چند موردی که گفته می‌شود، محدود نباشد. فلاح نقیب وزیر کشور سابق عراق به‌نقل از منابع خود که آنها را معتبر خواند، گفت: در این محل علاوه بر شکنج، کشتار نیز صورت گرفته است. فلاح نقیب افزود: با وجود این که نمی‌توان صددرصد اثبات کرد، ولی برخی از زندانیان در این محل زیر شکنجه کشته شده‌اند. در مراسم تشییع جنازهٔ وفاق‌الجویو یک دانشجوی جوان سنی، عزاداران خواستار پایان‌دادن به‌تروریسم توسط وزارت کشور شدند. خانواده‌های شکنجه‌شدگان و قربانیان معتقدند که دولت دشمن آنهاست.

اعتراضات بین‌المللی به‌وجود شکنجه در عراق

کشف جنایت شنیع عوامل رژیم در عراق، بسیاری از مقامات بین‌المللی را به‌اوکتش واداشت. برخی مقامات آمریکایی و انگلیسی که کشورشان مسئولیت عراق را به‌عهده دارند، علیه این وضعیت موضع گرفتند. هم‌چنین بسیاری از ارگانها و مقامات حقوق بشری بین‌المللی واکتش نشان دادند.

کوفی عنان
کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل روز چهارشنبه نگرانی خود را از گزارش بدرفتاری با تعداد زیادی از زندانیان یک زندان مخفی وزارت کشور عراق در بغداد ابراز کرد(خبرگزاری فرانسه ۲۵آبان).

به گزارش خبرگزاری فرانسه یتینا فروو والترز، کمیسر عالی روابط خارجهٔ اتحادیهٔ اروپا، طی سخنانی در پارلمان اروپا در استراسبورگ اعلام کرد کشف شکنجه و بدرفتاری در این زندان به‌بود وضعیت حقوق‌بشر در عراق را ضروری می‌سازد. در این جلسه ردچ له که به نمایندگی از سوی انگلستان سخنرانی می‌کرد، گفت: اتحادیهٔ اروپا گزارشاتی را که در مورد نقض حقوق بشر توسط نیروهای امنیتی عراق منتشر شده، باعث نگرانی می‌داند.

هیأت سازمان ملل در بغداد
گزارشرگر ویژهٔ ملل متحد در امر شکنجه در مورد شکنجهٔ زندانیان در وزارت کشور عراق به تلویزیون بی.بی.سی گفت: خبر بسیار شوکه‌کننده است اما تعجب نکردم، زیرا که این اتهامات در خصوص شکنجه در زندانهای عراق، مدت زیادی است توسط نیروهای این کشور مطرح می‌شود. وی خواهان تحقیقات مستقل شد و گفت البته مستقل به معنی این است که سازمانهای بین‌المللی در آن دخالت داشته باشند، گزارشرگران مختلف ویژهٔ سازمان ملل خواهان دسترسی به محلهای بازداشت در عراق در ژوئن ۲۰۰۴ بودند اما تا کنون هیچ پاسخی از دولت عراق دریافت نکرده‌اند(خبرگزاری فرانسه ۲۵آبان).

سفیر آمریکا در عراق
زالمای خلیل زاد، سفیر آمریکا در عراق، گفت: شکنجه عملی است که در هر شرایطی غیر قابل قبول می‌باشد. وی از نخست‌وزیر عراق خواست که علانان شکنجه را به‌دست عدالت بسپازند. سفیر آمریکا در عراق گفت که این موضوع اولین آزمون برای قانون اساسی عراق می‌باشد که شکنجه زندانیان را در هیچ شرایطی مجاز نمی‌شمرد. روز چهارشنبه تلویزیون الحرحه ۲۵آبان به نقل از سخنگوی وزارت

دفاع آمریکا، پنتاگون گزارش داد: ما اطلاعاتی به‌دست آورده‌ایم که برخی منابع بر این باور هستند که گروههای شیعهٔ مسلح ممکن است توانسته باشند در دستگاه امنیتی و حفاظتی ساختمان وزارت کشور و با سایر زندانها نفوذ کرده باشند . این عناصر شیعهٔ مسلح شاید که مسئولیت آن‌چه در زندان وزارت کشور اتفاق افتاده را بر عهده داشته باشند.

وزیر دفاع انگلستان

جان رید وزیر دفاع انگلستان شکنجهٔ زندانیان در وزارت کشور عراق را یک امر غیرقابل قبول دانست و اعلام کرد: این موضوع مورد تحقیق قرار خواهد گرفت. وی که با کانال ۴ رادیو بی.بی.سی انگلستان مصاحبه می‌کرد گفت: عوامل دست‌اندرکار این بدرفتاریها افشا خواهند شد و مورد بازجویی قرار خواهند گرفت.

نماینده ویژهٔ انگلستان در مورد حقوق‌بشر
آن کلوه، نماینده ویژهٔ انگلستان در مورد حقوق‌بشر در گفتگویی با تلویزیون اسکای نیوز۲۵آبان در مورد شکنجه در زندان وزارت کشور عراق گفت، به‌نظر من تحقیقات پیرامون این موضوع نباید در عراق انجام شود، به‌خصوص این که اتهام علیه اعضای همین دولت است و باید توسط ارگانهای مستقل انجام گیرد

سفارت آمریکا در عراق

سفارت آمریکا در بغداد طی بیانیه‌یی اعلام کرد در قبال نقض حقوق زندانیان با نقش نیروهای شبه‌نظامی در دستگیریها سازش نخواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۶آبان، در بیانیهٔ سفارت آمریکا تصریح شده است که دولت آمریکا برای دولت عراق روشن ساخته است که نیروهای شبه‌نظامی نباید بر پلیس، ارتش و نیروهای امنیتی و هم‌چنین بر ادارات و وزارتخانه‌ها تسلط داشته باشند. در این بیانیه آمده است که سوءرفتار با زندانیان را به‌شدت محکوم می‌کنیم.

خبرگزاری رویتر نیز در همین روز به‌نقل از جیم بولاک، سخنگوی سفارت آمریکا در عراق، گفت: ما شکنجه را در هیچ کجای عراق تحت‌لنی نمی‌کنیم و خواستار اقداماتی برای جلوگیری از آن هستیم. وی گفت: ما برای کمک به‌تحقیقات، افرادی از وزارت دادگستری آمریکا و اف.بی.آی را وارد عمل می‌کنیم.

بازرسی ویژهٔ سازمان ملل در امور شکنجه

مانفرد نوگر بازریس ویژهٔ سازمان ملل در امور شکنجه، در یک تماس تلفنی که از وین برقرار شده بود، به آسوشیتدپرس گفت: «این موضوع شوکه‌کننده است، ولی ما از خیلی وقت پیش، اخباری در مورد چنین بازداشتگاههای مخفی در عراق دریافت کرده بودیم.

اعتراض مقامات عراقی

رئیس‌جمهور عراق

تولیزیون الشرقیهٔ ۲۶آبان، گزارش داد: رئیس‌جمهور عراق در یک موضعگیری مطبوعاتی شکنجهٔ زندانیان و بازداشت آنها در یک مرکز سرّی و غیرقانونی را به‌شدت محکوم کرد و گفت که شکنجه در هر نوع و در هر شرایطی غیرقابل قبول می‌باشد... این منبع افزود: رئیس‌جمهور عراق بر اساس اطلاعات منتشر شده، خشم و ناراحتی عمیق خود را از آن‌چه که در زیرزمین جادریه بر زندانیان گذشته است، ابراز داشت.

تولزیون الشرقیهٔ ۲۵آبان گزارش کرد غازی الیاور، معاون رئیس‌جمهور عراق، اعمال زشت و ضد انسانی در مخفیگاه وابسته به وزارت کشور عراق در منطقه جادریه بغداد را به شدت محکوم کرد. در بیانیهٔ دفتر غازی الیاور آمده است: اعمال زشتی که در این مخفیگاه رخ داده ما را بر آن داشته است تا تمامی کسانی را که در این اعمال ضدانسانی و غیر قانونی شرکت داشته یا آنها را طراحی کرده یا دستور چنین اعمالی را صادر کرده‌اند، مورد حسابرسی و محاکمه قرار دهیم.

وزیر حقوق‌بشر عراق

زهیر عبدالرحمن، وزیر حقوق‌بشر عراق، گفت که آن‌چه در مخفیگاه جادریه به‌وقوع پیوسته است یک قضیهٔ بزرگ و نقض فاحش حقوق‌بشر می‌باشد. وی معتقد است اعمال شکنجه بروی سایر زندانیان در زندانهای دیگر نیز وجود دارد که از جمله زندانهای مدائن، کوث، حله، بصره، ناصریه و دیوانیه می‌باشند.

وزیر حقوق‌بشر عراق

نورمین وتمان حسن، وزیر حقوق‌بشر عراق، تأیید کرد که بازداشت‌شدگان، توسط وزارت کشور شکنجه شده‌اند. تلویزیون سی.ان.ان که روز ۲۶ آبان، با وی مصاحبه می‌کرد، گفت: فعالان حقوق‌بشر عراق، از این که دستگیرشدگان، توسط وزارت کشور عراق، مورد شکنجه و بدرفتاری قرار گرفت‌ه‌اند، متعجب نشدند، چرا که آنها ماهاست، دربارهٔ بدرفتاری با زندانیان، هشدار می‌دهند.

مواضع عوامل رژیم در عراق دبیرکل بدر: آمریکاییها سخت در اشتباه‌اند اگر فکر می‌کنند با این کارها می‌توانند بر اعتبار لیست شیعیان تأثیر منفی بگذارند

تولیزیون الحرحه عصر چهارشنبه گزارش داد: سازمان بدر که متهم به‌دست‌داشتن در مجاری شکنجهٔ زندانیان در زندان جادریه می‌باشد، هر گونه ارتباط و دست‌داشتن در این موضوع را تکذیب کرد. هادی العارعی، دبیرکل سازمان بدر، گفت که این زندان تحت مدیریت و مسئولیت وزارت کشور بوده است و نیروهای آمریکایی نیز روزهان از آن دیدنی می‌کرده‌اند. وی افزود: آمریکاییها سخت در اشتباه‌اند و باید به‌سر می‌گردند اگر فکر می‌کنند که با این کارها می‌توانند بر روی اعتبار لیست شیعیان تأثیر منفی بگذارند.

دیدار ناگهانی موفق الریبعی از تهران الربیعی از حمایت همه‌جانبهٔ دولت ایران به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و سیاسی ق‌دردانی کرد
● **احمدی‌نژاد: ایران همهٔ تجارب خود را در همهٔ زمینه‌ها در اختیار ملت و دولت عراق قرار خواهد داد.**
تولیزیون رژیم گفت که الریبعی از حمایت همه‌جانبهٔ دولت ایران به‌ویژه در زمینه‌های امنیتی و سیاسی قدردانی کرد. این سفر و ملاقات توسط رسانه‌های عربی همه‌زمان با کشف شکنجه‌گاه مخفی عوامل رژیم ایران در وزارت کشور عراق، قابل توجه ارزیابی شد. سابت ابلا نوحش، متابع مطلع روشن ساختند این بازداشتگاه توسط گروهی ویژه در ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات ایران اداره می‌شد و بین این گروه و وزارت امنیت ملی عراق هماهنگی انجام می‌گرفته است. به‌طوری‌که این وزارت‌خانه ارگان ویژه‌یی را برای کار اطلاعاتی و دستگیریها ایجاد نموده که به‌لحاظ مالی و تشکیلاتی مستقیماً در ارتباط باوزارت اطلاعات ایران می‌باشد. این منابع کشف این بازداشتگاه مخفی و دیدار ناگهانی روز سه‌شنبه مشاور امنیت ملی عراق، موفق الریبعی از تهران را بی‌ارتباط نمی‌دانند. آنها اصرار وی برای تکذیب هر گونه دخالت رژیم ایران در امور عراق را نیز در همین ارتباط ارزیابی می‌کنند.

به‌نقل از روزنامهٔ مجاهد ۲۶آبان

صدور شقاوت

کشف یک شکنجه‌گاه مخفی در جادریهٔ بغداد که هنوز جزئیات کامل آن گفته نشده، بار دیگر پرده از شقاوتی می‌درد که آن سوبش دستان آغشته به‌خون جنایتکاران و درّخیمان حاکم بر ایران و گماشتگان آن نمایان است. بنابر گزارش رسانه‌های خبری جهان و اظهارات مقامات مختلف، تا لحظهٔ تنظیم این سفور، بیش از ۱۷۰ زندانی در ساختمانی که متعلق به وزارت کشور عراق و تحت کنترل آنها بوده، به‌شدت زیر شکنجه قرار داشتند. خبرنگار تلویزیون بی.بی.سی در گزارش خود گفت: «یک مقام پلیس به‌ما گفته است که اعضای تیپ بدر در این ساختمان کار می‌کردند.»

روزنامهٔ لس‌آنجلس تایمز نیز باعنوان «نیروهای آمریکایی به‌مجموعهٔ وزارت کشور تحت حمایت رژیم ایران، تهاجم کردند» به‌نقل از یک سیاستمدار عراقی که از وی نام برده نشده افزود: «این وزارتخانهٔ مرکزی برای افسران پلیس وابسته به نیروی بدر بود». چنان‌که برخی مقامات نیز در اظهاراتشان تصریح کردند، شماری از بازداشت‌شدگان بر اثر شدت شکنجه فلج شده‌اند و پوست برخی دیگر کنده شده است. تعدادی نیز بر اثر شدت شکنجه در آستانهٔ مرگ قرار دارند. مطابق همین گزارشها کلیهٔ زندانیان این شکنجه بر اثر گرسنگی و کمبود تغذیه به شدت دچار نارساییهای جسمی شده و به سلامت فیزیکی آنها آسیبهایی جدی رسانده است.

شدت توحش و شقاوت اعمال شده علیه زندانیان به‌حدی بوده که نخست‌وزیر و معاون وزیر کشور عراق نیز نسبت به آن اعلام انذار اجاز نمودند و قول مساعدت برای پیگرد قضایی دادند.

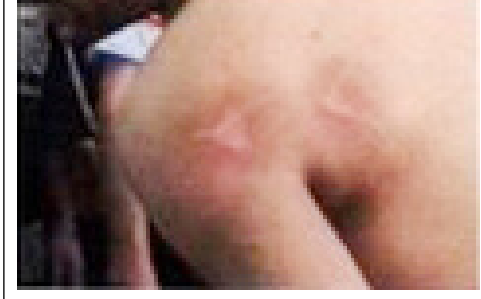
البته کشف شکنجه‌گاه در عراق که توسط عوامل دیکتاتوری شقاوت‌پیشهٔ آخوندی ساز و کار داده و اداره می‌شود، برای اولین‌بار نیست و پیش از این هم شکنجه‌گاههای مخوف در شهر بصره، در بغداد و در شهرهای دیگر عراق کشف شده بود و از سوی رسانه‌های خارجی که مورد افشای شده بودند.

نام و نشان «عوامل رژیم در وزارت کشورعراق» در مرداد ماه گذشته و به‌دنبال ربوده‌شدن دو مجاهد خلق توسط همین جنایتکاران، از سوی مجاهدین اعلام شده بود که بعد از گماردن پاسدار احمدی‌نژاد، دامنهٔ صدور تروریسم به‌خصوص دست‌اندازی در خاک عراق به‌صورت افسارگسیخته گسترش خواهد یافت و به‌عنوان یک تهدید مبرم و جدی، نه‌تنها برقراری هر نوع ثبات و آرامشی را در خاک عراق که در خاورمیانهٔ حبل مستحور خواهد کرد. علت گزار آمدن و حمایت میلوینا هوشند، بسیاری از احزاب و شخصیتهای ملی و میهن‌پرست عراق حول فراخوان سازمان مجاهدین خلق ایران، برای جلوگیری از «صدور تروریسم و بنیادگرایی و استقرار یک حکومت دست‌نشانده در عراق از نگران وضعیت ایران‌بازیدر این است. استقرار دموکراسی و ثبات و آرامش در عراق ازسوی دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم برایران تهدید می‌شود. مردم عراق در مقابله با این تهدید مبرم، مجاهدین و مقاومت ایران را متحد خود می‌دانند و برای رسیدن به‌هدفهای دموکراتیک خود خواستار کوتاه کردن دست تعدی و دخالت رژیم آخوندی در مینشان هستند.

شیوه‌های وحشیانهٔ سکنجه در بازداشتگاههای عوامل رژیم ایران استفاده از مته برقی، اِره برقی و کاتر مخصوص سلاخی شکنجه گران سر برخی از دستگیر شدگان عراقی را به ما مته برقی سوراخ کرده و جسد آنها را در خیابانها و یا گودالها رها می‌کردند.تولیزیون الشرقیهٔ ۲۵آبان به نقل از منابع مطلع گفت: در پناهگاه جادریه وابسته به وزارت کشور از اِره‌های برقی مخصوص برش چوب به منظور برش اندام زندانیان استفاده می‌شده است. بنا به این گزارش در این زندان هم‌چنین کاترهای مخصوص سلاخی پوست بدن زندانیان و ضدنیلهای ویژه شکنجه وجود داشته است. الشرقیه افزود: تخمین زده می‌شود که تعداد جلادانی که در این زندان به کار شکنجه زندانیان اشتغال داشته‌اند بالغ بر ۵۰تن بوده‌اند. این جلادان به‌صورت متناوب و در تمام شب و روز در حال شکنجه زندانیان بوده‌اند. این زندان در زیر زمین پناهگاه جادریه قرار داشته است.

تشریح نحوهٔ بازداشت و شکنجه‌های اعمال شده از سوی یکی از قربانیان

آنها نیروهای امنیتی عراق بودند نه آن طور که مقامات دولتی ادعا می‌کنند گروه‌های ناشخص
تولیزیون الجزیره توضیحات یکی از کسانی که توسط عوامل رژیم آخوندی در زندان وزارت کشور عراق شکنجه شده را پخش کرد. وی که عمر راغب نام دارد گفت: «روزی که مرا



دستگیر کردند یک نیروی بزرگ متشکل از ده‌ها خودرو وابسته به وزارت کشورعراق منطقهٔ یرموک را که محل زندگی من بود به محاصره در آورد. آنها در را شکستند و مرا با خود بردند. وقتی مرا از خانه خارج کردند، ابتدا چشمم را بستند، مشاهده کردم که تعدادی از کماندوهای تیپ ویژهٔ موسوم به گرگ همهٔ جاده‌ها را بسته‌اند و خودروهایشان که روی آن دوشکا و تیربار ب.کات نصب بود به‌صفت شده بودند. هیچ کس چنین امکاناتی را در اختیار ندارد. زمانی که ما به سمت زندان می‌رفتیم، گشتنهای زیادی از آمریکاییها که با آنها ارتباط بر قرار بود اجازه دادند این خودروها عبور کنند. مطمئن شدم که این افراد نیروهای امنیتی عراقی هستند و نه آن‌طور که مقامهای دولتی ادعا می‌کنند و گروه‌های ناشخص.

این زندانی درباره شکنجه‌های خود گفت: وقتی چشم را باز کردند بطرهای آب و بطریهای پر از اسید دیدم که روی بدن برخی از زندانیان ریخته می‌شد و به بعضیها نیز برق وصل می‌کردند، مرا از دستهایم که از پشت بسته شده بود آویزان کردندو با وسایل آهنی شروع به زدن کردند. آنها به با کابل بلکه با میلهٔ آهنی می‌زدند.

آشنایی با شگردهای رسوای فاشیسم مذهبی و روی آوردن به‌روشهای ذاتی ولایت‌فقیه در سرفصل انقباض و بحران سرنگونی (۲)

طرح «بر گرداندن برگ حقوق بشر» و تهمت «شکنجه واعدام در زندانهای مجاهدین» مأموریت «اعضای سابق»!

احمدی‌نژاد به کسانی که از گمارده‌شدن او در منصب ریاست جمهوری ارتجاع، تعجب کرده‌بودند، گفته‌بود چنان کابینه‌یی تشکیل بدهم وچنان چهره‌هایی را وزیر کنم که تعجب‌زدگان را بیشتر دچار تعجب کند. او که وعده‌های فریکارانه درمورد تشکیل دولتی مرکب از تمامی تمایلات خودی و درون رژیم‌ی را خیلی زود به فرمودهٔ مقام ولایت به فراموشی سپرد، این یکی وعده را عملی کرد و چنان کابینه‌یی از فاتلان و جلادان‌منفور و بدنام تشکیل داد که درمجلس ارتجاع هم سروردا ایجاد کرد. زیرا درمیان وحوش سرپردهٔ مقام ولایت هم بودند کسانی که از بابت وزیر شدن خونخوارانی مثل پورمحمدی، و ازّمای متعجب شده و آن را به مصلحت نظام نمی‌دانستند واین را در	جلسات رسمی وعلنی مجلس رژیم برزبان آوردند. اما واقعیت امر این است که وقتی رژیم ولایت‌فقیه می‌خواهد به روشهای ذاتی و شیوه‌های منحصر به‌فرد خودش در تمامی زمینه‌ها به‌خصوص در امر سرکوبگری روی آورد، به مهرها و مجریانی نیاز دارد که به‌خاطر همین روشها معروف شده‌اند. به‌خصوص که در مرحلهٔ پایانی کار از ملاحظات و مصلحت‌اندیشیهایی فرعی گذشته و همهٔ فکر و ذکر مقام ولایت، حفظ اصل نظام است. بنابراین نه رئیس‌شدن پاسدار قائلی مثل احمدی‌نژاد شگفت‌انگیز است و نه وزیرشدن دژخیمانی مثل پورمحمدی و ازّای.	کما این که بازگشودن طرح سوخته	«برگرداندن برگ حقوق‌بشر» و تکرار دروغهای رسواشده اندر باب «شکنجه و اعدام در زندانهای مجاهدین» توسط مزدوران ومأموران رژیم به بن‌بست رسیده و فلک‌زدهٔ ولایت‌فقیه، هیچ کدام عجیب و غریب نیست. معنای انقباض رژیم و روی آوردن آن به روشهای ذاتی ولایت فقیه همین است. دراین گونه موارد، حرف وزیر دروغسازِی فاشیسم هیتلری – که گفته بود، دروغ هرچه بزرگتر باشد و هرچه بیشتر تکرار شود احتمال اثرکردنش بیشتر است– راهنمای عمل آخوندهاست. از حق نگذریم، باید گفت که فاشیسم مذهبی در این گونه دروغسازها و دجال‌بازها دست فاشیسم هیتلری را هم از پشت می‌بندد. زیرا اگر حکومت هیتلر حکومتی متعلق به آخرین
---	---	-------------------------------	---

«بر گرداندن برگ حقوق‌بشر» یک توطئهٔ شکست‌خورده علیه مجاهدین

حضور فعال مجاهدین و مقاومت ایران در صحنهٔ بین‌المللی و پشتیبانی گستردهٔ ایرانیان متقیم خارج کشور از مقاومت، همواره به‌عنوان نهادهی جدی برای «انیت» آخوندها به‌حساب می‌آید. از همین رو رژیم از سال ۷۰ هم‌زمان با تشکیل «کمیتهٔ فرهنگی شوراییعلی انیت، طرح‌های متعددی را برای «جذب» و «بازگشت» ایرانیان، و مقابله با مجاهدین و مقاومت ایران به‌مورد اجرا گذاشته است. با انتخاب رئیس‌جمهور مریم رجوی و گسترش فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی مقاومت در خارج کشور، طرح‌های رژیم در رابطه با ایرانیان با شکست مواجه گردید.	افراد مستقل است. یکی از اقدامات رژیم در چارچوب طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، توطئهٔ شکست‌خورده «بر گرداندن برگ حقوق‌بشر» علیه مجاهدین است. یادآوری می‌شود که برای اولین‌بار طرح «بر گرداندن برگ حقوق‌بشر» در دیماه۷۴ در نشریهٔ ایران زمین شمارهٔ۷۸ افشا شد. در این افشاگری «کمیسوین امنیت و ضد تروریسم» شورای ملی مقاومت، فاش کرد که شوراییعلی امنیت رژیم به ریاست رفسنجانی، در روز ۱۶آبان۷۴ تصمیم گرفت که از «بر گرداندن برگ حقوق‌بشر، توسط جدادشده‌های آنها در مقابل نمایندگان مجلس و سازمانهای حقوق‌بشری غربی	در ضمن به‌وزارت اطلاعات مأموریت داده می‌شود که با کمک وزارت خارجه تا قبل از ورود گزارشگران به‌ایران، هیأت‌هایی را در خارج کشور بنزد آنها فرستد تا دربارهٔ «زندان، شکنجه و اعدام در درون مجاهدین و ارتش آزادیبخش» شهادت بدهند. هم‌چنین گزارشگران را در جریان «وضعیت خانواده‌ها و به‌خصوص کودکان» مجاهدین قرار دهند. با تأکید براین که هیأت‌ها «باید ازطرف جمهوری اسلامی یا در رابطه با آن باشند»، برعکس، بایستی «به‌عنوان مخالفان نظام» که در خارج کشور پناهنده هستند، به‌این اساس «طرح مشترک» برای «سازمانهای اپوزیسیون» و بریده‌مزدوران در خارج کشور به‌عهدهٔ وزارت اطلاعات است. بر این اساس «طرح مشترک» تحت نفوذ وزارت اطلاعات و بریده‌مزدوران توسط نمایندگان این دو ارگان تهیه شده‌است. هدف‌های این طرح عبارتند از:
---	--	--

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اداره کل فعالیت‌های ویژه تاریخ:۸/۷/۷۶ جناب آقای جنتی، قائم مقام محترم سازمان با سلام احتراماً، همان‌گونه که مستحضرد فشار سنگین تبلیغاتی در جهان علیه جمهوری اسلامی وجود دارد که ضرورت اتخاذ روش‌های مناسب مقابله را مسلم کرده است. با توجه به این ضرورت، طرح مشترکی توسه این ادارهٔ کل و وزارت اطلاعات تهیه شده‌است که تقدیم می‌گردد. براساس این طرح با استفاده از تعداد زیادی از نیروهای وابسته به این ادارهٔ کل و وزارت اطلاعات، می‌توان جریان تبلیغی مناسبی را همسو با اهداف نظام برای مقابله با ضدانقلاب سازماندهی کرد و با تغذیهٔ این جریان، یک جریان فرهنگی نهادینه‌شده که پوشش مناسب علمی و فرهنگی نیز دارد، فراهم خواهد شد. ویژگی این طرح، انعکاس مطالب مورد نظر نظام از زبان افراد مستقل است. لطفاً از راهنمایی درخ فرمایید.	حاشا! این کتاب به شما را با حقایق و حقیقت‌ها که پشت پرده تلقای بی‌آلودهٔ آشنا می‌سازد برای مطالعهٔ کتاب، به این نشانه‌ها نگاه فرمایید.	نام یکی از رزاق سابق سرخپویده به وسایط های جمعی
--	--	---

کتاب «اسناد طرح‌ها و توطئه های سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رژیم آخوندی» فصل پنجم — طرح مشترک سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و وزارت اطلاعات چاپ ورق‌پاره‌ها و کتابهای مختلف به‌نام بریده‌مزدوران و ترجمهٔ آنها به زبانهای مختلف و انتشار در کشورهای عربی

یکی از اقدامات «فرهنگی» رژیم در چارچوب طرح مشترک وزارت اطلاعات و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، برای مقابله با مجاهدین، تولید و چاپ جزوات و کتاب‌های مختلف حاوی اراجیف آخوندی-ساواکی علیه مجاهدین است که به‌نام بریده‌مزدوران چاپ و به‌طور مجانی توسط پست به آدرس ایرانیان ارسال می‌شود. عناوین برخی از این کتاب‌ها و جزوات قیلا در مجاهد افشا شده‌است. مزدورانی از قبیل علی فراستی، سعید شاهسوندی، کریم حقی، علی اکبر راستگی، شمس خاتری، مهدی خوشحال، ونوروزعلی رضوانی در این پروژه فعال می‌باشند. رژیم این کتاب‌ها را به‌زبانهای مختلف ترجمه و چاپ کرده و در کشورهای عربی برای	چاپ ورق‌پاره‌ها و کتابهای مختلف به‌نام بریده‌مزدوران و ترجمهٔ آنها به زبانهای مختلف و انتشار در کشورهای عربی
---	--

مباحث روشنفکری و مطبوعاتی و سفارتخانه‌ها به‌صورت مجانی ارسال می‌کند. برخی از دریافت‌کنندگان این قبیل ورق‌پاره‌ها در تماس با دفاتر مجاهدین و مقاومت ایران در کشورهای مختلف نسبت‌به ارسال این لجن‌نامه‌ها ازسوی رژیم اظهار نفرت و بی‌زاری کرده و بلاهت آخوندها را به‌خاطر این قبیل اقدامات «فرهنگی» برای بی‌اعتبار نمودن مجاهدین، مورد تمسخر قرار داده‌اند. همین جزوات در خانه‌های امن و شکنجه‌گاه‌های وزارت اطلاعات و دادستانی انقلاب اسلامی به عنوان «فرهنگ و ارتباطات» آخوندی، به‌صورت مکمل وسائل شکنجه، برای درهم شکستن اسیران مورد استفادهٔ دژخیمان قرار می‌گیرد.(کلیشه در زیر)	سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی اداره کل فعالیت‌های ویژه تاریخ:۸/۷/۷۶ جناب آقای جنتی، قائم مقام محترم سازمان با سلام احتراماً، همان‌گونه که مستحضرد فشار سنگین تبلیغاتی در جهان علیه جمهوری اسلامی وجود دارد که ضرورت اتخاذ روش‌های مناسب مقابله را مسلم کرده است. با توجه به این ضرورت، طرح مشترکی توسه این ادارهٔ کل و وزارت اطلاعات تهیه شده‌است که تقدیم می‌گردد. براساس این طرح با استفاده از تعداد زیادی از نیروهای وابسته به این ادارهٔ کل و وزارت اطلاعات، می‌توان جریان تبلیغی مناسبی را همسو با اهداف نظام برای مقابله با ضدانقلاب سازماندهی کرد و با تغذیهٔ این جریان، یک جریان فرهنگی نهادینه‌شده که پوشش مناسب علمی و فرهنگی نیز دارد، فراهم خواهد شد. ویژگی این طرح، انعکاس مطالب مورد نظر نظام از زبان افراد مستقل است. لطفاً از راهنمایی درخ فرمایید.
--	--

۱-به‌منظور انجام فعالیت‌های پوششی ادارهٔ کل فعالیت‌های ویژه، مدیر کل فعالیت‌های ویژه مجاز است تا ضمن هماهنگی با وزارت اطلاعات، با مراکز، سازمان‌ها و یا افرادی که به‌نحوی در تحقق برنامه‌های این ادارهٔ کل امکانی فراهم می‌سازند، تماس گرفته و یا برنامه‌های مشترکی را به اجرا در آورد.	۲-سازماندهی فعالیت‌های رسانه‌یی پوششی در خارج از کشور، به‌عهدهٔ ادارهٔ کل فعالیت‌های ویژه است. در این خصوص آقای بهرامی مجاز است تا با استفاده از امکانات داخلی و خارجی، به‌نحو مطلوب این مهم را به انجام رسانده و موضوع را پیگیری نماید.	۳-ایجاد ارتباط با ایرانیان خارج از کشور، به‌ویژه بهره‌گیری از افرادی که امکاناتی در خارج از کشور داشته و قادرند تا به نوعی در تحقق هدف‌ها و سیاست‌ها، سازمان را یاری نمایند، از اختیارات آقای بهرامی است و مشاراًلیه با انجام کار کارشناسی مجاز به ارتباط، سازماندهی و بهر‌میرداری از ایرانیان، سازمان‌ها، تشکیلات و رسانه‌های وابسته به آنهاست.	۴-آقای بهرامی مجاز است به‌منظور تحقق اهداف سازمان، اجرای برنامه‌ها و سازوهای عملیات روانی، برگزاری مراسم ویژه توسط ایرانیان یا هواداران انقلاب اسلامی در خارج از کشور را پیگیری نموده و از مجاری غیررسمی هزینه‌های مربوطه را پرداخت نماید.	۵-آقای بهرامی مجاز است تا در چارچوب اهداف سازمان، به عقد قرارداد با افراد، مؤسسات داخلی و خارجی مبادرت کرده و در چارچوب فعالیت‌های بخش خصوصی طرح‌های خود را پیگیری نماید.	۶-با توجه به حساسیت کارهای در دست اقدام و پرداخت‌های خارج از سیستم ادارهٔ کل فعالیت‌های ویژه، چارچوب زیر جهت عقد قرارداد و یا پرداخت‌های این ادارهٔ کل به تصویب می‌رسد:	الف-قراردادهای تنظیمی از سوی ادارهٔ کل فعالیت‌های ویژه از شمول تشریفات قانونی معاف است. ب-یک‌چهارم از بودجهٔ ریالی سالانهٔ ادارهٔ کل مستقیماً در اختیار مدیر کل قرار گرفته و با گزارش مدیر کل قابل تسویه است. ج-کل بودجهٔ ارزی ادارهٔ کل مشمول مادهٔ۱۷ بوده و از شمول تشریفات قانونی معاف است.
---	--	--	--	---	---	--

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین تسخیری-ریاست محترم سازمان سلام علیکم احتراماً، با توجه به نوع فعالیت‌های «ادارهٔ کل فعالیت‌های ویژه» و ضرورت تنظیم روشی به‌منظور تسهیل در انجام مأموریت‌ها و عقد قرارداد‌ها، بودجهٔ این ادارهٔ کل از اعتبارات غیرقابل شمول است. با این توصیف لطفاً دستور فرمایید تا قراردادهای ادارهٔ کل از تشریفات ترک مناصهٔ معاف گردد.	سند شمارهٔ ۷
--	--------------

علی جنتی قائم‌مقام سازمان	نام‌های بهرامی به علی جنتی، قائم مقام سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی — 403
---------------------------	--

نام و مشخصات کریم حقی که یکی از مزدوران شناخته‌شدهٔ وزارت اطلاعات در هلند است، در لیست ۸۰ن مزدوران وزارت اطلاعات (مندرج در مجاهد شمارهٔ۳۷۱)، با شمارهٔ ۵۵ آمده است.	کریم حقی در فروردین ۷۴ از طریق مقصودی، در کنسولگری رژیم در هلند، با وزارت اطلاعات رابطه برقرار کرد. مقصودی مسئولیت شبکۀ جاسوسی رژیم و بریده‌مزدوران را در هلند به‌عهده دارد.	«کمیسوین امنیت و ضد تروریسم» شورای ملی مقاومت در بارهٔ مأموریت مزدور کریم حقی در نشریهٔ مجاهد
---	--	---

نام و مشخصات کریم حقی که یکی از مزدوران شناخته‌شدهٔ وزارت اطلاعات در هلند است، در لیست ۸۰ن مزدوران وزارت اطلاعات (مندرج در مجاهد شمارهٔ۳۷۱)، با شمارهٔ ۵۵ آمده است.	کریم حقی در فروردین ۷۴ از طریق مقصودی، در کنسولگری رژیم در هلند، با وزارت اطلاعات رابطه برقرار کرد. مقصودی مسئولیت شبکۀ جاسوسی رژیم و بریده‌مزدوران را در هلند به‌عهده دارد.	«کمیسوین امنیت و ضد تروریسم» شورای ملی مقاومت در بارهٔ مأموریت مزدور کریم حقی در نشریهٔ مجاهد
---	--	---

خود فروختگان بی بها

عزیز پاک‌نژاد

بنابراین در هر قدم اوج دیگری از این شراکت را بر ملا می‌کنند.

۶- ادعاهای آنها همیشه بر گفتار دیگران تکیه دارد و از این زاویهٔ محکمه‌پسند هستند و با دست‌باز در جهت هدف اصلی به‌کار گرفته می‌شوند.خالی از حقیقت و دروغ و بی‌اعتبار و تکراری بودن، برای آنها اهمیت ندارد. مهم این است که حرف‌پایشان توسط عده‌بی پذیرفته شوند. ارگانه‌ای ناظر بر اعمال آنها را نمی‌شود به‌سادگی به‌کار گرفت. چون آنها را نمی‌شنید و شنیده و تأثیرگذار در کنار مرزهای کشور تحت‌حاکمیت ملامه‌است که فعال شدن آن به‌هر شکل و هر صورت و هر وقت، فاسق محاسبات رژیم طومار حکومتش را در مدت کوتاهی در هم می‌پیچاند. بنابراین اولین کار باید تھی کردن این محتوا و برهم زدن و درهم شکستن آمادگی افراد آن باشد.

سیاست اپلیدسازی،چهره‌بی‌گش مجاهدین خلق یکی از وجوه این سیاست جدید رژیم است که به‌همین منظور، وظیفه آن‌را عمدتاً بر دوش خودفروختگان بی بها نهاده است.

۸- در این وانفسا اعتبار خود را به‌راحتی خرج می‌کنند و حافظهٔ تاریخی مردم ایران را به‌سمه می‌گیرند چون شیادی و فریب افکار عمومی هم جزء وظایفشان در شرایط خاص است.

می‌شود باز هم از این خصوصیات مشترک برایشان مثال آورد ولی به‌راستی این سؤال را باید با آنها مطرح کرد که آیا برای آن میان برداشتن جنبش آزادیخواهی مردم ایران مشکل در شورای ملی مقاومت به‌این تلاشهای مسخره امید بسته‌اند؟ آیا راه دیگری برایشان متصور هست؟ آیا بهتر نبود برای یکبار هم که شده بیطرفی پیشه کنند و کمتر آبروی خود را بر باد دهند؟ هم رژیم و هم شرکای خارجیشان مدعی است که به‌این نتیجه رسیده‌اند که به‌طرق عادی کاری در این جهت از آنها بر نمی‌آید. خوب می‌دانند که نابودی مقاومت ایران و به‌خصوص سازمان مجاهدین خلق ایران خواب و خیالی بیش نیست. به‌همین دلیل به‌افکانه‌ای برای به‌تاخیر انداختن و دور کردن خطر نابودی رژیم پرداخته و قصد کوتاه آمدن ندارند. چون کار دیگری از دستشان بر نمی‌آید.

اقداماتی از این دست البته بی سابقه نیست. اما مرتب و در مراحل مختلف تکرار می‌شود. با فروپرفتن هر چه پیشه‌ملاها در باتلاق تروریسم و بنیادگرایی دیگر کسی حاضر به گوش دادن و ترتیب اثر دادن به‌ترهائی از این دست نیست. کسانی که قبلاً برای چنین وضعیتی دست و پا می‌شکستند به‌خوبی دیده و می‌بینند که همهٔ این اقدامات را رژیم کنترل و هدایت می‌کند. بنابراین شکست این تلاشها را از عراق برنده کرده و آن‌رئز و وقت خود را در این راه تلف نمی‌کنند. اگر چه اینها خیلی مایل بودند که جریانات و افرادی را در مقابل مجاهدین فعال کنند ولی از بخت بد حتی یک آدم خوشامرآن‌توانستند به‌پای بلند گویای خود بشکنند.

تلاشهای رژیم و ایدای خارجی و داخلی‌نژاد در این راه ادامه دارد. اعضای این مقاومت را از این بابت باکی نیست. دنیا دارد به‌این حقیقت نزدیک می‌شود که اگر مقاومت ایران نبود، رژیم آخوندها تا حالا دنیا را به خون و خون و تروریسم کشیده بود. این مبارزه تا سرنگونی رژیم ادامه دارد و ترغندهای خودفروشان و حامیان آنها خیلی در عزم جزم پایداران و مقاومان وارد نمی‌کند.

را باید در این دید که در مرحلهٔ کنونی هیچ دلیلی و هیچ چشم‌انداز قابل قبولی وجود ندارد که بشود براساس آن رژیم را صاحب آینده‌یی طولانی‌داست و رژیم این را خوب می‌داند.

در میان همهٔ عریده‌کشها و تهدیدبات و مبارزلبلیهای پوشالی رژیم یک‌نقطهٔ وحشت وجود دارد که به‌هر قیمت باید در ابتدا آن عبور کند تا با خیال راحت به کارهای دیگرش بپردازد. این نقطهٔ وحشت رژیم که اتفاقاً نقطهٔ امید مردم ایران است، وجود نیرویی مشکل، از خود گذشته، آماده و تأثیرگذار در کنار مرزهای کشور تحت‌حاکمیت ملامه‌است که فعال شدن آن به‌هر شکل و هر صورت و هر وقت، طبق محاسبات رژیم طومار حکومتش را در مدت کوتاهی در هم می‌پیچاند. بنابراین اولین کار باید تھی کردن این محتوا و برهم زدن و درهم شکستن آمادگی افراد آن باشد.

سیاست اپلیدسازی،چهره‌بی‌گش مجاهدین خلق یکی از وجوه این سیاست جدید رژیم است که به‌همین منظور، وظیفه آن‌را عمدتاً بر دوش خودفروختگان بی بها نهاده است.

۱- همهٔ آنها برای تکمیل و قابل دولتی‌سازی زبان خارج گش مجاهدین نهادهای شناخته شدهٔ حقوق بشری از جمله دیدبان حقوق بشر و... در این تلاشهای رژیم آخوندی‌است. روش و شکل ورود همهٔ این رسانه‌ها و نهاده‌ا در این قضیه مشترک است و قابل تعریف:

۲- این تلاشها از طرف آنها تحت پوشش و بهانهٔ دفاع از حقوق بشر و دادن هویت به کسانی صورت می‌گیرد که به‌ارتکب مبارزه‌اتقلابی و به‌حیض شدن و خوار و افتاده و کسی آنها را جدی فرض نمی‌کند.

۳- به‌صورت روشن مجموعهٔ این اقدامات از یک هماهنگی که در برخورد با مجاهدین خلق و به‌منظور ایجاد خلل در ارادهٔ استوار آنها برای محور رژیم آخوندی و برقراری آزادی در ایران حاکمیت دارد.

۴- این که این اقدامات و حمایتهای بی‌درغ می‌تواند معرف یک سیاست هماهنگ ازسوی بعضی دولتهای خارجی علیه مجاهدین باشد، در این موقعیت خاص، به‌شدت زیر سؤال است. اما آن‌را در عقب‌ماندگی و کندذهنی کسانی که سابقاً در این مورد کار می‌کرده‌اند نیز می‌شود جستجو کرد که متوجه تغییر شرایط جهانی و منطقی‌نبوده‌اند. چون اگر این نباشد بدون شک مسألهٔ راه را باید در همان محدودهٔ مزد و مزدگیری و منافع عادی تعریف کرد:

۵- این ساعدهای و نهادهای مصلحت‌گرا که در موقع لزوم به کلی وظیفهٔ اطلاع‌رسانی بی‌طرفانهٔ خود را فراموش می‌کنند، با این حمایتهای بی‌درغ و یاری‌رساندن به‌رژیم مجبورند تا ته خط به‌این کار خود ادامه دهند.

غرض آلود از طرف وزارت اطلاعات آخوندی با استفاده از عناصری از این دست علیه سازمان محوری مقاومت ایران به‌طور خاص و شورای ملی مقاومت به‌طور عام در خارج کشور آغاز گردیده است. سروته کلیهٔ اقدامات و رفتارهای آلودهٔ این مجموعهٔ به‌کار گرفته شده، در حدی نیست که بشود زیاد روی آن مکث کرد و خط و ربطی خارج از رژیم و توطئه‌هایش در آن پیدا کرد، کرد، اعمال و رفتار و گفتار آنها نشان می‌دهد که سراپا پلنگ خودفروشی سیاسی آلوده شده‌اند و هیچ مرزی را در حفظ این رژیم ضدمردمی نمی‌شناسند. ترغندهایشان شناخته شده‌است و همگی تقریباً به یک زبান می‌گویند. طبق دهکده‌ها و نمایشاتشان حرف مفت نزنن. هر کرد به‌پاسداران و گفت دروغ می‌که بیاریدش پایین. به‌زور مرا پایین بردند.

خطر واقعی بود اگر چه یارو اشتباه کرده‌بود. در این فکر می‌کردم اشتباه کرده است. در حالی که داد و فریاد می‌کردم چند تا از همکارانم که اتفاقاً با ماشین شخصی عازم محل کار بوده و برای صرف کله‌پاچه در دکان روبه‌روی نشسته بودند، خارج شدند و مرا از دست پاسداران در آوردند. یکی از همکاران گفت: «یارو تواب است و این جا نشسته هر کس را که مشکوک باشد شناسایی می‌کند. بی‌پرویز که از این جا می‌گذشتم را به‌ندان بود می‌گفتند یک بران رami خواستند از اتوبوس پیاده کنند.فرار کرده با تیر زده‌اند. معلوم نیست که آن هم اشتباهی نبوده باشه» و اضافه کرد که «این توله‌ا آدم نیستند برای خوش خدمتی هر کاری می‌کنند. آدم‌ها را تو دهن این حیوانات دراصل می‌اندازند تا خودوشن را نجات بدن. خطرناک کسی که اهل مبارزه نیست نباید وارد این کار بشه چون اگر اند شد دیگه حق نداره خیانت کنه. این قانون مبارزه است»

محل کار و اسم مستعار مرا نجات داد. در طی راه به‌فکر فرو رفتم. این جریان در عین سادگی ابعاد وحشتناکی دارد. یک انسان وارد عرصهٔ مبارزه برای آزادی و با هر ایده‌آل دیگری می‌شود. توان ادامهٔ کار را از او می‌گیرند. ضعف نشان می‌دهد تسلیم ارادهٔ دشمن می‌شود و در اولین قدم مجبورش می‌کنند از خودش انتقام بگیرد. به‌خودم گفتم بدتر از اینها نمی‌شود پیدا کرد. اینها از دشمن به‌مراتب خطرناک‌ترند. در مقابل آنها باید چهار کرد؟ این سؤال همیشه آن ه‌بود مشغول می‌کرد. جوابش را هرگز نتوانستم پیدا کنم. فکرمی‌کنم اگر به‌اختیار خودشان بود هر یکم به‌این ورطه نمی‌افتادند. به‌این‌جا که رسیده‌ام سؤال برآم مطرح شد که اگر کسی به‌اختیار خودش و بنا به دلایل خودش به‌این عرصه کشیده شد چی؟ او را باید چه نامید؟ بریده، مزدور، خائن، کثیف... یا چیز دیگری؟ با او چه باید کرد؟ درمیان کسانی که به‌میدان مبارزه گام نهاده‌اند، به‌دلایلی که بر من مجهول است تعدادی با عوض کردن جبههٔ خود به‌دشمن پیوسته‌اند. نمونهٔ زیاد است، چه چیز باعث می‌شود آنها این کار را بکنند؟ حتماً از روی مردم دوستی و امیدبخوهای که معمولاً مدعی آن هستند نیست. بر عکس این کار نفی همین ارزشهاست. این سؤال هم هنوز باقی است. اما چیزی که روشن و مشخص است این گونه افراد از این نقطه به‌صف دشمن می‌پیوندند و باید مثل دشمن با آنها رفتار کرد. باید آنها را افشا کرد. چرایی کارشان را در انتخاب آزادانهٔ این راه باید به‌خودشان وا گذار کرد. چندی است یک کمپین کثیف و

طبق معمول هر شبه‌صبح، سوار اتوبوس به‌طرف محل کارم در شهر ساوه روان شدم. در خروجی تهران اتوبوس متوقف شد. کسی بالا آمد. با چهره‌یی درهم، کلامی کشی پرس و چشمانی شیشه‌یی. به‌من نگاهی خیره‌نااخت و رفت. کمی بعد دو پاسدار مسلح بالا آمدند و از من خواستند پیاده شوم. گفتم چرا؟ گفتند با ما بیا و حرف نزن. گفتم تا نکوید به‌چه دلیل و چرا پایین نمی‌آیم. رفتند همراه با چشم شیشه‌یی بر گشتند. دهان ه‌ستی؟ گفت چرا به‌همه زحمت می‌دهی من تورا شناختم اگر چه سیبل را کوتاه کرده‌ای. گفت من تورا نمی‌شناسم و بهتره حرف مفت نزنن. هر کرد به‌پاسداران و گفت دروغ می‌که بیاریدش پایین. به‌زور مرا پایین بردند.

خطر واقعی بود اگر چه یارو اشتباه کرده‌بود. در این فکر می‌کردم اشتباه کرده است. در حالی که داد و فریاد می‌کردم چند تا از همکارانم که اتفاقاً با ماشین شخصی عازم محل کار بوده و برای صرف کله‌پاچه در دکان روبه‌روی نشسته بودند، خارج شدند و مرا از دست پاسداران در آوردند. یکی از همکاران گفت: «یارو تواب است و این جا نشسته هر کس را که مشکوک باشد شناسایی می‌کند. بی‌پرویز که از این جا می‌گذشتم را به‌ندان بود می‌گفتند یک بران رami خواستند از اتوبوس پیاده کنند.فرار کرده با تیر زده‌اند. معلوم نیست که آن هم اشتباهی نبوده باشه» و اضافه کرد که «این توله‌ا آدم نیستند برای خوش خدمتی هر کاری می‌کنند. آدم‌ها را تو دهن این حیوانات دراصل می‌اندازند تا خودوشن را نجات بدن. خطرناک کسی که اهل مبارزه نیست نباید وارد این کار بشه چون اگر اند شد دیگه حق نداره خیانت کنه. این قانون مبارزه است»

محل کار و اسم مستعار مرا نجات داد. در طی راه به‌فکر فرو رفتم. این جریان در عین سادگی ابعاد وحشتناکی دارد. یک انسان وارد عرصهٔ مبارزه برای آزادی و با هر ایده‌آل دیگری می‌شود. توان ادامهٔ کار را از او می‌گیرند. ضعف نشان می‌دهد تسلیم ارادهٔ دشمن می‌شود و در اولین قدم مجبورش می‌کنند از خودش انتقام بگیرد. به‌خودم گفتم بدتر از اینها نمی‌شود پیدا کرد. اینها از دشمن به‌مراتب خطرناک‌ترند. در مقابل آنها باید چهار کرد؟ این سؤال همیشه آن ه‌بود مشغول می‌کرد. جوابش را هرگز نتوانستم پیدا کنم. فکرمی‌کنم اگر به‌اختیار خودشان بود هر یکم به‌این ورطه نمی‌افتادند. به‌این‌جا که رسیده‌ام سؤال برآم مطرح شد که اگر کسی به‌اختیار خودش و بنا به دلایل خودش به‌این عرصه کشیده شد چی؟ او را باید چه نامید؟ بریده، مزدور، خائن، کثیف... یا چیز دیگری؟ با او چه باید کرد؟ درمیان کسانی که به‌میدان مبارزه گام نهاده‌اند، به‌دلایلی که بر من مجهول است تعدادی با عوض کردن جبههٔ خود به‌دشمن پیوسته‌اند. نمونهٔ زیاد است، چه چیز باعث می‌شود آنها این کار را بکنند؟ حتماً از روی مردم دوستی و امیدبخوهای که معمولاً مدعی آن هستند نیست. بر عکس این کار نفی همین ارزشهاست. این سؤال هم هنوز باقی است. اما چیزی که روشن و مشخص است این گونه افراد از این نقطه به‌صف دشمن می‌پیوندند و باید مثل دشمن با آنها رفتار کرد. باید آنها را افشا کرد. چرایی کارشان را در انتخاب آزادانهٔ این راه باید به‌خودشان وا گذار کرد. چندی است یک کمپین کثیف و

همگنیهای آخوند خاتمی و پاسدار احمدی‌نژاد

جمشید پیمان

فرصت و موقعیتی برای بیرون بردن رژیمش از زیر ضرب یا پاره‌یی از مقامهای آلمانی تماس گرفت. اما از آن‌جا که قرار نیست افعی کبوتر تزیابد و قرار نیست بین او و پاسدار احمدی‌نژاد و دیگر گردانندگان این نظام ضدبشری فرقی باشد، به‌خبرگزاری ایرنا با زبانی بسیار ساده و همه فهم اعلام کرد: «دیدگاهها و سیاستهای ایران در سطح کلان طراحی می‌شود و دولت مأمور اجرای آنهاست بنابراین هیچ تغییری در سیاستهای کشور با روی کار آمدن دولت جدید ایجاد نشده و هر دولتی خود را مکلف و موظف به‌اجرای سیاستهای عالی نظام می‌داند. آخوند خاتمی برای این که میخ را چنان محکم کند که مو هم لای درزش نرود، در رابطه با سخنان احمدی‌نژاد مبنی بر حذف اسرائیل از جغرافیای جهان، بار دیگر حرفهای او را این چنین مورد تأکید قرار داد:

«به‌آلمانها گفتم اظهارات جناب آقای احمدی‌نژاد برگرفته از خواست عمومی جامعه در حمایت از مردم مظلوم فلسطین و جزء سیاستهای همیشگی و مستمر دولتهای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.» چنانچه در این سخنان همشادام و صبح تا شام به دنبال لقمه پانمی‌دوم. خود زندگی خرج دارد. باید قسط خانام را بپردازم... ماشین و هزار کوفت و زهر مار دیگر! همسرایان پیدا و ناپیدا چون سایه‌هایی در میان غبار و مه می‌خوانند.

ترانه‌ها
به دار می‌روند
و خرافهٔ عشق

مقالات

شمارهٔ ۷۷۶ - سه‌شنبه اول آذر ۱۳۸۴

صفحهٔ ۹

شیطانهای خمینی صفت

ناهِید همت‌آبادی

والای انسانی و سلب آرمان و امید مردم رنج‌دیدهٔ ایران و جوانان پرومند به‌پاخسته‌یی‌ست که بی‌واهمه از دار و شکنجه و یا عزم استوار رودرروی جلا‌دان خون‌آشام‌ایستاده‌اند و به‌هنگام شهادت نیز با پوسه بر طناب و تیرک دار، ضمن سردادن فریاد وطنخواهی و آزادی، مهر تاریخی پیروزی پیشگامان مجاهد را بر سینه دوران نقش می‌زنند. حال اگر پرده‌داران جنایات و تروریسم جهان جملگی با عبا و عمامه یا بی‌دستار اما هنگی یکسان مانند سلف در گرو رفته‌شان و باز مثل همه سالهای پیش، تنها مانع ریزش نیروها و نابودی تدریجی خود را در کسبیل گله‌های جاسوس و جلا‌دان مزدور به خارج از خاک وطن می‌دانند تا چنین شیطانهای خمینی‌صفت بی‌نام و نشان را به‌خیال خام برای ضربه‌زدن به‌دلاورمردان و ساختن صفوف مجاهدان، شورای ملی مقاومت و منفعل ساختن یاران مقاوم، به‌کارت مورد مصرف قرار دهند. در یک کلام و خلاصه باید به‌گوش رهبر و دست‌آموز تروریست او و همهٔ دستار و برسان و جلا‌دان مهاجرمانند یاسین خواند، که:

صدالبته و بی‌تردید که رزم‌آوران ماندگار در اشرف و مجاهدان آزادیستان بر سو‌گند و جایگاه تاریخی خود و وفای به‌عهد آرمانی با رهبرانشان تکیه کرده‌اند، اما هرآن‌که از نیز در شعاع و دوایر دور یا نزدیکتر به‌مجاهدین و چنین مقاومت عظیم و بی‌نظیر، قدم در این وادی و کازارز پرخطرمره گذارند، بی‌شک نه بی‌حشمت و جاه آمده است، نه بی‌مال و منال ودلی در سینه ندارد که فقط می‌تد تا روز آخر به درپیرت با زود محض آزادی ایران و آن مردم دربند اسیر. و گسیل خیل مأموران جاسوس ملامه و جلا‌دان جانیکار به‌خارج از وطن حتی با امدادسانی عناصر و رسانه‌های یگانه ترنکارنگ، نه هیچ ایرانی هوشیار و شرافتمندی را می‌فریبد و نه عمر به‌سر رسیدهٔ آخوندهای تروریست را طولانی می‌کند چرا آن‌که بار جنایت کرده و دستار را سنگین‌تر، محاکمه و مجازاتشان را سخت‌تر اما یافتن عنوانی مناسب برای این‌گونه و بیان عصاة صفات پلید آنان را با دو کلمه آسانتر کند:

شیطانهای خمینی صفت.

سرود عاشقان زندگی

علی اصغر بهروزیان

در حیرت چشمان آبی خوکه‌ها منفرج می‌شود.

خلوتی از سنگ و درخت

پناه آوار صدایی ست که فردا خواهم شنید.

کوه با آهوان

و جنگل با پلنگانش تنها بود.

من

با رنج‌هایم تنها هستم.

رنج‌هایم برادرم – که ثروت آب بود –

و خواهرم

– کثرت ابر –

با فقر خاک

و زبان سترون بی‌باری

چشم‌هایم را

در خانوادهٔ هلاک از دست داده‌ام.

و در جهانی از کلمات مرده

نه با زمین لال حرف می‌زنم

و نه با آسمان و انسان لال

و نه – حتی –

با خود

که سالیهاست نامم را فراموش کرده‌ام.

بی‌نامی مرا

از قلب دریدهٔ گلی برپر بیرس!

تنها خاطره‌یی از رنج نان و تنهایی باقی‌ست

و «تعریف» بی‌بازیافته

که مردی بردار برآیم گفته بود.

«انسان

یعنی

برادر انسان» (۱)

نگاهم

به صفحهٔتلوزیون باز می‌گردد، پیکرهای نحیف و درهم‌کوبیدهٔ زندانیانی سرفراز از آشوبست تا تهران و بغداد در هم گره خورده‌اند. بیرون هیاهویی برپاست. بچره رامی‌گشایم زندانیان‌اینک در خیابانهای شهر گام می‌دارند همسایه‌هایم را می‌بینم که از خانه‌ها بیرون می‌آیند و بازو در بازوی آنان می‌افکنند. در دست‌هاشان سرود پرچم‌شرف و در قلب‌هاشان عشق به انسان و بر لب‌هاشان سرود پیروزی. تمامی وجودم را شادمانی‌یی از یاد رفته در بر گرفته است. درنگ جایز نیست. شال و کلاه می‌کنم. شتابان می‌دوم تا به آنان پیوندم.

پانویس:

۱-بخشی از شعر زیرای « ترانه‌ها به‌دار می‌روند» اثر استاد گرانمایام شاعر مبارز کاظم مصطفوی.

از ابتدای شکل‌گیری دیدگاه مکانیکی، حس‌گرایان نقش اپوزیسیون این دستگاه فکری را بازی می‌کردند. بدون شک با سست‌شدن مبانی دیدگاه مکانیکی، حس‌گرایان دریافتند که سرانجام برخی از دیدگاه‌های آنان ثابت شده‌است. یکی از ایرادهایی حس‌گرایان به بنیادهای دیدگاه مکانیکی و در واقع به فلسفهٔ عقل‌گرایِ وجود فرضیه‌هایی بود که از طریق مشاهده اثبات نشده بود.

یکی از آنها فرضیه اِتر Ether بود که از وجود مختصات کاملاً ساکن و تأثیرات نیروی جاذبه از راه دور صحبت می‌کرد. منظور از جاذبه از راه دور برای مثال این است که اگر سیاره‌یی در آن سوی کهکشانشان حرکت کند بر محیط ما نیز تأثیر می‌گذارد. این خاصیت در قانون جاذبهٔ عمومی نیوتن نیز نهفته است ولی نیوتن به غیرمنطقی بودن آن اذعان داشت.

تئوری نسبیت خاص می‌گوید هیچ نیرویی نمی‌تواند تأثیر خود را با سرعتی بالاتر از سرعت نور انتقال دهد. تئوری الکترومغناطیسی ماکسول نیز با تئوری نسبیت خاص کاملاً همخوانی دارد. این همخوانی نشان می‌دهد این تقارن و تغییرناپذیری در تقارن و تغییرناپذیری آنها نسبت به تبدیلات لورنتس (Lorentz Transformation) را نشان می‌دهد این تقارن و تغییرناپذیری در قوانین نیوتن وجود نداشت و بدین خاطر با نسبیت خاص همخوانی نداشت. البته فیزیکدانان حتی قبل از نسبیت خاص به این تفاوت بین معادلات ماکسول و قوانین نیوتن پی‌برده‌بودند.

شاید پدیدهٔ الکترومغناطیسی و جاذبه دو مقوله کاملاً جدا هستند و خواص یکی را به دیگری نمی‌توان تعمیم داد. اما برای اثبنتین می‌کرد که با نسبیت نسبیت خاص تناقضی نداشته باشد. علاوه بر این، با موفقیتی که در زمینهٔ مفهوم میدانها برای توضیح پدیده‌های الکترومغناطیسی به‌دست آمده بود، برای اثبنتین روشن بود که باید تئوری جدید جاذبه نیز بر این ایده بنا شود که نیروی جاذبه به‌وسیله

میدانهای جاذبه منتقل شود. انتقال نیروی جاذبه هم فقط می‌توانست با سرعت نور انجام گیرد. بدین ترتیب مشکل تأثیر بلافاصله و از راه دور نیروی جاذبه که از قانون جاذبهٔ عمومی نیوتن ناشی شده بود نیز حل می‌شد. ولی از نظر برخی دانشمندان این ایرادها به قوانین نیوتن جدید نبود.

از نظر هواداران دیدگاه مکانیکی، طی ۲۰۰ سال دوران بعد از نیوتن، دانشمندان همین قوانین را با همین تناقضها مورد استفاده قرار داده و هیچ مشاهده‌یی به ضرورت تغییر این قوانین گواهی نمی‌داد. همان طور که در نسبیت خاص دیدیم، اثر آن در زندگی روزمرهٔ ما بسیار ناچیز است. یافتن و انجام آزمایشی که بتواند نتایج این تئورها را به محک بگذارد کار ساده‌یی نبود. از این جهت برخلاف تئوری الکترومغناطیسی که مشاهدات فراادی شکل‌دهندهٔ آنها بود، درحیطهٔ نسبیت، این تئوری بود که راه‌را برای مشاهدات جدید باز می‌کرد. اگر به یگانگی تمامی فیزیک اعتقاد نمی‌داشتید، بحرانی که فیزیک را در بر گرفته بود را احساس نمی‌کردید. ولی این بحران واقعی بود، چرا که یگانگی فیزیک هم واقعی است.

برای اثبنتین یگانگی تمامی فیزیک، چراغ راه بود و همین کافی بود که به دنبال تئوری نسبیت عام برود تا قوانین نیوتن را تصحیح کند. ولی از دید برخی حس‌گرایان افراطی، دیدگاه صوری جدیدی جایگزین دیدگاه دیگری می‌شد. مآخ، فیزیکدان و فیلسوف اتریشی و از رهبران مکتب فلسفی پوزیتیویسم (Positivism) یکی از آنها بود. طرفداران این مکتب معتقد بودند که اصالت با مشاهده است و قوانین چیزی جز بیان مختصر و مفید مشاهدات نیست. آنها این را که تئوری راهگشای عمل و مشاهده است، رد می‌کردند. مآخ با تمامی پیشفرض‌هایی که آغشته شدن علم به متافیزیک می‌دانند. اما یگانگی اصل است و تردید بردار نیست. اصل یگانگی راهنمایی به سوی تئوری جدی است و باید جرأت ورود به این مصاف را داشت تا بتوان غباری را از روی واقعیت برداشت. اثبنتین به این اصل اعتقاد داشت. برخی این را یک دکم فلسفی می‌دانستند.

یک تصویر از یک شبکهٔ رایانه‌ای که در آن هر یک از کامپیوترها به یکدیگر متصل شده‌اند. این شبکه به اینترنت معروف است.

از دکترین مونرو^۱ برای عصرما بود. آمریکا اعلام کرد کنترل اینترنت را به طور نامحدود براساس استانداردهای غیررسمی آمریکا نیز می‌رفت، این اقدام در خارج از ایالات متحده با خشم مواجه شد و زمینه ساز مجادلات بعدی گردید.

کنترل کنندگان آدرسهای اینترنتی یکی از دلخوش‌کننده‌ترین افسانه‌ها در دربارهٔ شبکه اینترنت این است که کاملاً بدون کانون مرکزی و ذاتاً غیرقابل کنترل است. این درست است که در قیاس با سیستمهای تلفن، شبکهٔ اینترنت از کنترل و کنترل و تمرکز کمتری برخوردار است. اما کارکرد روان این شبکه در ۴۰ زمینهٔ مهم به نظارت و هماهنگی نیازدارد. این ۴ زمینه یا همدیگر سیستم آدرسهای اینترنتی Domain Name را تشکیل می‌دهند که ارسال ایمیل و استفاده از اینترنت را امکانپذیر می‌کند.

زمینهٔ اول آدرسهای اینترنتی است. برای مثال www.google.com یک آدرس اینترنتی است. کسی باید تصمیم بگیرد بانک اطلاعاتی آدرسها به اینترنتی با پسوندهای دیگری مانند net.com و info را چه کسی اداره کند، امتیازی که منافع زیادی را در بردارد. علاوه بر این کسی باید متصدیان پسوندهای دو حرفی را مشخص کند که برای آدرسهای اینترنتی کشورهای مختلف به کار می‌رود. منظور حرفی است که پسوند آدرس اینترنتی هر کشور را تشکیل می‌دهد، برای مثال پسوند دو حرفی برای کشور چین CN می‌باشد.

زمینه دوم شماره‌های آی‌پی IP است. به هر کامپیوتر شبکهٔ اینترنت یک شمارهٔ ۱۲ رقمی که آی‌پی نامیده می‌شود می‌دهند تا یک کامپیوتر برای کامپیوتر دیگر شناخته شود. در دههٔ ۱۹۷۰، هنگامی که کامپیوترهای بزرگ اساساً شبکهٔ اینترنت را تشکیل می‌دادند بنا به تصمیمهای فنی تعداد رقم شماره‌های آی‌پی به ۱۲ تا مشخص شد. اما این سیستم حسابگر محدود ۴ بلیارد شمارهٔ آی‌پی را تأمین می‌کند که از تعدادی که در حال حاضر نیاز است بسیار کمتر است. تازمانی که این سیستم ارتقا پیدا نکند، توزیع شماره‌ها باید به‌دقت صورت گیرد، وجود شماره‌های مشابه در ترافیک اینترنت اخلاقی ایجاد می‌کند.

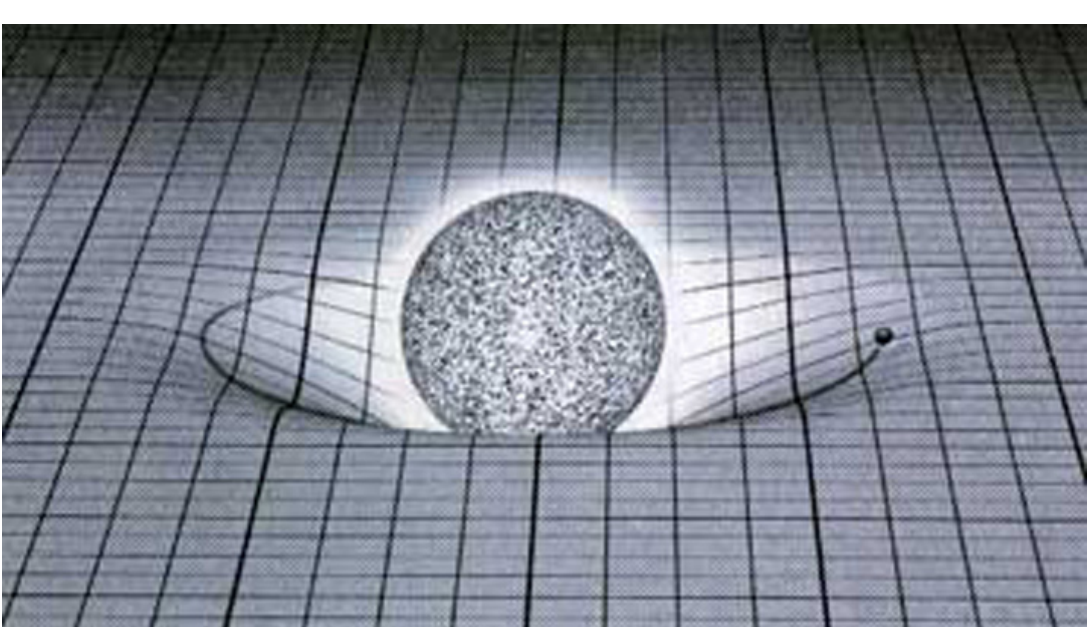
زمینه سوم کامپیوترهای مادر در شبکهٔ اینترنت هستند. برای این که آدرسهای اینترنتی درست کار کنند این کامپیوترها ضروری هستند. هنگامی که کاربری با تایپ یک آدرس اینترنتی قصد مراجعه به یک سایت را دارد و یا ایمیلی می‌فرستد کامپیوترهای اصلی طرف چند میلیونم ثانیه شماره آی‌پی کامپیوتر مقصد را پیدا می‌کنند. شماره‌های آی‌پی و آدرسهای مربوطه مهمترین هدفترجهٔ آدرس جهان را به وجود می‌آورند. اما به‌دلایل محدودیتهای فنی که در زمان ایجاد شبکهٔ اینترنت وجود داشت فقط ۱۳ کامپیوتر اصلی در نقاط مختلف جهان وجود دارند که اطلاعات خود را همسان می‌کنند. کسی باید تصمیم بگیرد که چه کسانی این کامپیوترهای اصلی را اداره کنند و آنها در کجا مستقر شوند. از آن جایی که این سیستم غیر رسمی ایجاد شده است مدیریت این کامپیوتها و مختلف هستند مدیریت برخی با ناسا و برخی با یک سازمان غیر انتفاعی هلندی و هم چنین دانشگاهها و ارتش آمریکا و شرکتهای خصوصی می باشند. درحال حاضر اعلام شده است که تا ۱۰ تا از آنها از ایالات متحده و ۳ تا از دیگران آمستردام و استکهلم و توکیو

یک تصویر از یک شبکهٔ رایانه‌ای که در آن هر یک از کامپیوترها به یکدیگر متصل شده‌اند. این شبکه به اینترنت معروف است.

به مناسبت سال فیزیک و صدمین سالگرد «نظریه نسبیت»

در مسیر یگانگی (۶)

شاهین توتونچی دکتر فیزیک ذرات اولیه از دانشگاه ماساچوست



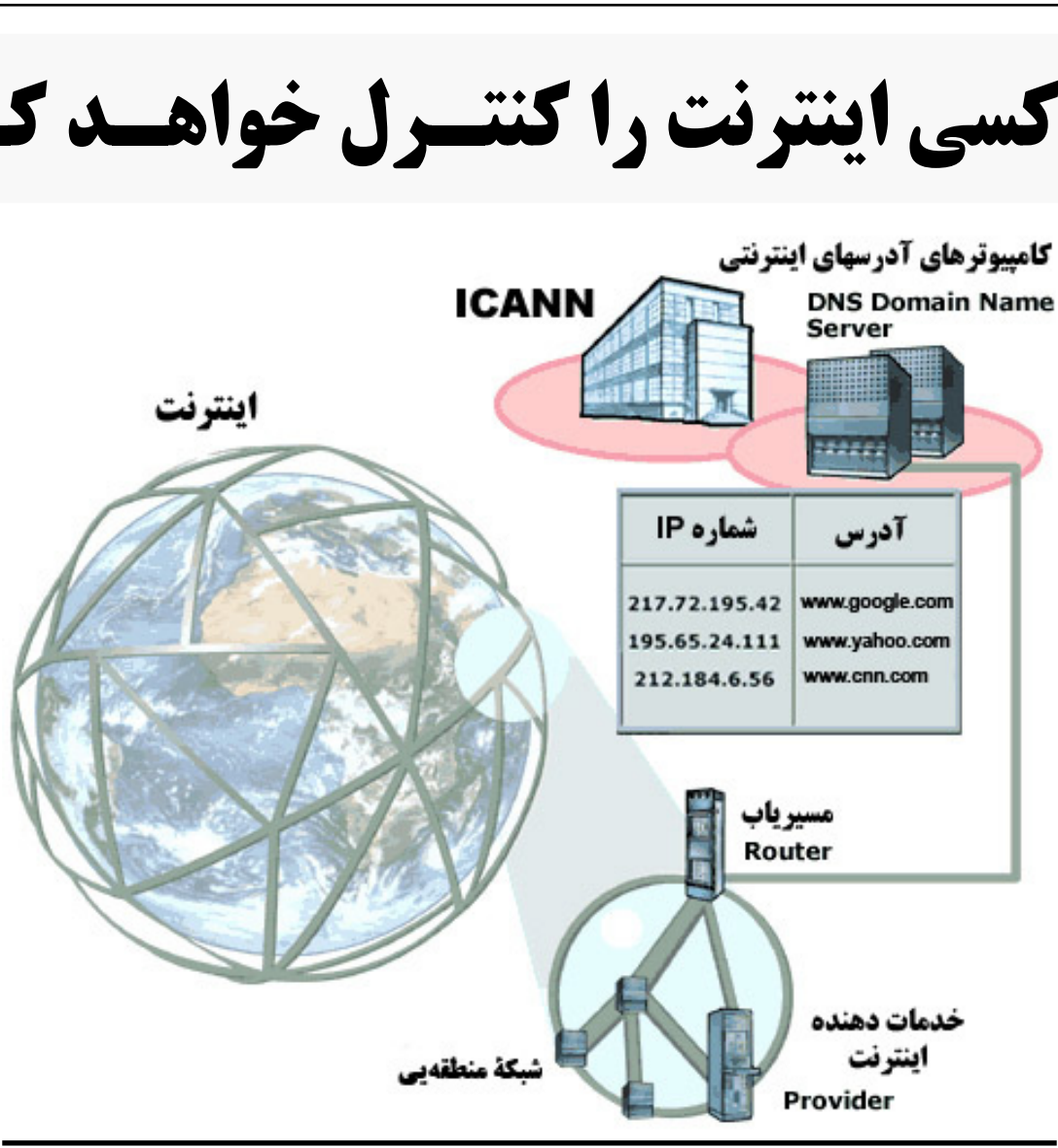
یک تصویر از یک شبکهٔ رایانه‌ای که در آن هر یک از کامپیوترها به یکدیگر متصل شده‌اند. این شبکه به اینترنت معروف است.

انها می‌گفتند کار علم فقط توضیح مشاهدات است.

همان طور که دربخشهای قبل گفتیم اعتقاد به یگانگی، برای علم مانند موتور محر که بی عمل کرده‌است. اثبنتین به فلسفه واقع‌گرای علمی Scientific Realism معتقد بود که به مقابله با پوزیتیویسم برخاسته بود.

نسبیت عام

برای اثبنتین نیروی جاذبه بسیار اسرار آمیز بود. هدف نسبیت عام توضیح نیروی جاذبه به شکلی بود که با نسبیت خاص تناقضی نداشته باشد ویا پیروی از ماکسول و فارادی این تئوری باید یک تئوری میدانی، مانند تئوری



به‌نظر می‌رسد پستال تصمیمهای فنی گرفت که سیستم آدرسهای اینترنتی کشورها را بر اساس پسوندهای دو حرفی مشخص کنند. اگرچه که قدری عجیب به‌نظر برسد که یک نفر برای مثال برای کشور انگلستان حرف uk را به‌عنوان پسوند آدرسها انتخاب کند، به‌جای این که این تصمیم توسط یک نهاد دولتی گرفته شود. در دوران اولیه شبکه اینترنت آن‌قدر جدید و عجیب بود که هیچ سازمان ملی مناسبی برای تعیین پسوندها وجود نداشت. علاوه براین دولتها و به‌خصوص مخابرات انحصاری اغلب به‌جای کمک به توسعهٔ ارتباطات در مقابل آن مانع‌تراشی می‌کردند. در اواسط دههٔ ۹۰ برای گروه کوچکی از مقامات ایالات متحده و مقامات کشورهای دیگر روشن شد که دیگر مدیریت اینترنت توسط یک‌نفر امکان‌پذیر نیست؟

کسی و چه چیزی جایگزین آن شود؟ در سال ۱۹۹۸ بعد از یکسری مذاکرات شدید بین جامعهٔ تجاری و دولتها و سازمانهای غیردولتی در سراسر جهان، دولت کلینتون به توافق برای ایجاد ICANN دست یافت. از آن‌جایی که عدم اعمال محدودیت از سوی ایالات متحده آمریکا به گسترش اینترنت کمک کرده بود، بنا کردن این سازمان ملل جهانی هم به‌صورت بخش خصوصی مناسب به‌نظر می‌رسید. این تصمیم اینترنت را منعطف‌تر می‌کرد و در مقابل مشکلات سیاسی و دیپلماتیک مصون نگه می‌داشت. مذاکرات آن‌قدر شدید بودند که با نزدیک شدن خاتمهٔ مذاکرات پستال دچار حملهٔ قلبی شد و آن‌قدر عمر نکرد که تواند جایگزین سازمانی که خودش در ایجاد آن نقش کلیدی داشت را بیابد.

ICANN یک آزمایش از پایین به بالا و اشراک چند جانبه برای مدیریت یک منبع جهانی در چارچوب غیردولتی بود. موقعیت ICANN به‌عنوان یک نهاد تخصصی کمک کرده است که اینترنت را از دخالت سخاتار سیاسی به‌دور نگه دارد. در سال ۲۰۰۲ هنگامی اینترنت را مدیریت کرد.

می‌آفریند، شیوهٔ استدلال او نیز برای اهل فن تحسین برانگیز است. بسیار جالب است که ما همه با مشاهدات روزمره رو به رو هستیم و برای اکثر ما این مشاهدات کم اهمیت جلوه می‌کنند، در حالی که برای برخی آنها سرشار از معنا و نشانه‌هایی از گهری غبار گرفته است که واقعیت می‌نامیم.

همهٔ ما از آسانسور استفاده کرده‌ایم و تجربه کرده ایم که هنگام آغاز حرکت رو به بالای آن، لحظه‌یی وزن ما افزایش می‌یابد. و وقتی شتاب می‌گیرد، این احساس به‌وجود می‌آید که به کف پای ما فشار وارد می‌شود. بعد از مدتی که سرعت آسانسور ثابت شد این احساس دیگر وجود ندارد. اما این فقط احساس نیست، خود را در آسانسور وزن کنید، خواهید دید که وزن شما اضافه شده است. سؤال این است: چرا؟

از دیدگاه مکانیکی پاسخ این سؤال ساده است. در هنگامی که آسانسور با شتاب به سمت بالا می‌رود به ما فشار می‌آورد و به نظر می‌رسد که وزن ما زیادت‌ر شده است.

اگر به سطح کره ماه برویم، از آن جانی که نیروی جاذبهٔ ماه از زمین کمتر است وزن ما کمتر خواهد شد. اگر به سطح سیاره‌ای مانند مشتری که از زمین بزرگتر است برویم، وزن ما افزایش خواهد یافت و این بر اساس قانون جاذبهٔ عمومی است. پس به نظر می‌رسد که شتاب اثری مانند جاذبه را تولید می‌کند.

شاید هم شتاب و جاذبه به لحاظ ماهیت یکی باشند.

حال بر می‌گردیم به آزمایشهای تخیلی. اتاقکی مانند اتاقک آسانسور را در نظر بگیرید که در فضا سرگردان است و ما هم در آن در حالت بی‌وزنی غوطه‌ور هستیم. ولی این اتاقک موتورهای بسیار قوی دارد که می‌تواند حداقل برای مدتی کوتاه به اتاقک سرعت بدهد و شتابی را به میزان ده متر در ثانیه به آن وارد کند. این شتاب تقریباً معادل شتابی است که روی زمین با آن مواجه هستیم. با شروع حرکت این موتورها، ناگهان احساس می‌کنیم به کف اتاقک خورده ایم، مانند این که از ارتفاع ۳ یا ۴ متری به پایین پرت شده باشیم. وقتی بلند می‌شویم گویی روی زمین ایستاده‌ایم و اصلاً احساس بی‌وزنی

یک تصویر از یک شبکهٔ رایانه‌ای که در آن هر یک از کامپیوترها به یکدیگر متصل شده‌اند. این شبکه به اینترنت معروف است.

که وزارت صنایع اطلاعات چین از کمیسوین ارتباطات فدرال آمریکا سؤال کرد که چرا برای تایوان پسوند tw در نظر گرفته شده است کمیسوین ارتباطات آن‌را به ICANN ارجاع داد.

اما از همان ابتدا ICANN بحث‌برانگیز بود. منتقدین آن‌را مهم کردند که از شفافیت و اعتبار و مشروعیت برخوردار نیست. گروه‌های مدنی احساس کردند که به‌جای نظارت بر سیستم آدرسها به مرکز تجارت آدرسهای اینترنتی تبدیل شده است. تاجران معتقدند که بیش از حد دولتی است. و دولتهای خارجی در مقابل آن خود را بدون قدرت احساس کردند. با افزایش تعداد کشورهایی که از اهمیت اینترنت آگاه شدند، این حقیقت که اینترنت توسط یک سازمان غیرانتفاعی اداره می‌شود که ۱۵ نفر هیأت رییسهٔ آن‌را تشکیل می‌دهند، و خود را به دادستان ایالت کالیفرنیا پاسخگو می‌دانند، و تحت تسلط دولت آمریکاست، باعث شده که آن‌را ظالمانه توصیف کنند.

این موارد تا سال ۲۰۰۳ در نشستهای مقدماتی اجلاس جامعهٔ جهانی اطلاعات ادامه یافت. واشینگتن قادر بود انتقادهای ICANN را بپذیرد. اما در مذاکرات دو جانبه برطرف کند اما نشان داد که در مناعت از جنبشی که رو به گسترش است در سطح چندجانبه نتوانان است. مقامات دیگر کشورها که در تعیین سیاست ارتباطاتی نقش داشتند و حمایت نرمی از ICANN می‌کردند، توسط نمایندگان برجسته وزارت خارجهٔ کشورهایشان جایگزین شدند. این مقامات کمتر با جزئیات حاکمیت اینترنت آشنایی داشتند، اما بیشتر در زمینهٔ مقابله با آمریکا تجربه داشتند. این دیپلماتها که نظاره‌گر جنگ آمریکا در عراق بودند مخالفت جهانی بودند ICANN را به‌عنوان نمونهٔ دیگری از کار بی‌کجانبهٔ آمریکا تلقی کردند.

دولتهای جهان که در پی این بودند که کنترل ایالات متحدهٔ آمریکا را کاهش دهند خواهان ترتیبات جدیدی شدند. در نوامبر ۲۰۰۴ کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل یک گروه کار ۴۰ نفره را مشخص کرد که به موضوع حاکمیت اینترنت بپردازد. واشینگتن قصد داشت تا سال ۲۰۰۶ به ICANN خودمختاری بدهد. اما کشورهای بیشتری دنبال دستیابی به کنترل بودند و ایالات متحده نیز برای گشتن از کنترل خود رغبت کمتری نداشت. نهایتاً این موضوع به موضوع منافع ملی تبدیل شد: واشینگتن که منافع زیادی در استمرار کار کرد اینترنت دارد تصمیم گرفت که هیچ ریسکی نکند و تغییراتی ایجاد نکند. بنابراین هنگامی که گروه کار سازمان ملل آماده می‌شد گزارشی را ارائه دهد که از انتقال کنترل به سازمان ملل جانبداری می‌کرد، آمریکا به یک تهاجم پیشگیرانه دست زد. در یک بیانیهٔ کوتاه که توسط وزارت بازرگانی آمریکا منتشر شد واشینگتن تصمیم خود را اعلام کرد: ایالات متحده آمریکا تسلط خود را بر ICANN حفظ خواهد کرد.

شبهه باز و دشمنان آن

اینترنت امروزه به یک ساختار اطلاعاتی حیاتی برای هر کشوری تبدیل شده است. کشورهای در حال توسعه برای حیات اقتصادی و ارتباطات بنیادین به میزان زیادی به آن متکی هستند و کشورهای توسعه‌یافته آن‌را

وسيله‌یی برای وصل کردن مردم به یکدیگر و امکان‌برقراری روابط تجاری و ایجاد شفافیت و گفتگوی مدنی می‌دانند که حاکمیت دموکراتیک این موضوع می‌کند. تکنولوژی

صفحهٔ ۱۰

نمی‌کنیم. اگر جسمی را در دست داشته و رها کنیم به کف اتاقک سقوط خواهد کرد. هر آزمایش فیزیکی دیگر که انجام‌دهیم با انجام آن در سطح زمین تفاوتی نخواهد داشت. بنابراین شاید بتوانیم مفهوم جاذبه را با مفهوم شتاب جایگزین کنیم. اثنتین این اصل (Equivalence Principal) را اصل شباه نامید. جاذبه و شتاب مشابه هستند. اگر بتوانیم مفهوم شتاب را درک کنیم و آن را با نسبیت خاص همخوان کنیم آن گاه می‌توانیم این ادراک را به جاذبه هم تعمیم دهیم. بر خلاف جاذبه که بسیار اسرار آمیز بود، شتاب مفهوم هندسی و فیزیکی بسیار مشخصی داشت. به اصطلاح کرهٔ کور در دک مفهوم جاذبه را می‌توان با استفاده از مفهوم شتاب و شباه آن با جاذبه باز کرد.

اجازه دهید برگردیم به آزمایشهای تخیلی تا بتوانیم درک دقیقتری از شتاب به دست آوریم. تصور کنید به جای اتاقک قلبی، در سفینه‌یی استوانه‌ای شکل قرار داریم و این سفینه می‌تواند به وسیله موتورهای، حول محور خود به‌چرخد. قبل از روشن کردن موتورها می‌خواهیم ابعاد این سفینه، قطر و محیط دایره‌ای که مقطع این استوانه را تشکیل می‌دهد اندازه بگیریم. چون اتاقک ساکن است، نتیجهٔ اندازه‌گیری عجیب نخواهد بود به یاد می‌آوریم که این خاصیت همهٔ دایره‌ها بر سطوح مسطحه است. در سکون، محیط و قطر دایرهٔ کوچکی را که در داخل دایرهٔ بزرگتر و با آن هم مرکز است را اندازه‌گیری می‌کنیم. تناسب محیط به قطر دایره کوچک نیز عدد پی است. این گونه اندازه‌گیریها در فیزیک گذشته نیز انجام شده است و همان طور که گفتیم از خواص هندسهٔ اقلیدسی است. ممکن است از خود سؤال کنید چرا بحث به هندسه و خواص ابتدای دایره‌ها رسانده‌ایم و مگر رابطهٔ مستقیمی بین هندسه و بحث تئوری نسبیت عام وجود دارد؟ شما انگشت بر روی قلب مسأله گذاشته‌اید. تئوری نسبیت عام داستان کشف رابطهٔ فیزیک با هندسه است.

یک تصویر از یک شبکهٔ رایانه‌ای که در آن هر یک از کامپیوترها به یکدیگر متصل شده‌اند. این شبکه به اینترنت معروف است.

چه کسی اینترنت را کنترل خواهد کرد؟

برگرفته از فارین افیز ، نوامبر – دسامبر ۲۰۰۵

اطلاعات می‌تواند هم‌چنین رژیم‌های مستبد را تقویت کند. اما قدرت نفوذ عمومی اینترنت در فرم کنونی آن به‌نظر می‌رسد بیشتر ترقیخواهانه باشد تا سرکوبگرانه.

به خاطر هیچ‌یک از اینها نی‌توان به ICANN امتیاز داد اما کار این گروه کارکرد شبکه را ممکن ساخته است و این منافع است که باید تصدیق کرد. آمریکا، به‌عنوان کشور ناظر بر سیستم آدرسها روش برخورد لبرال را که از ارزشهای آن برخاسته است در نظر گرفته است. هیچ تضمینی وجود ندارد که یک سیستم چند ملیتی چنین روندی را ادامه دهد و حتی جهانگردایان متعهد باید از تغییر این سیستم نگران باشند.

به‌خصوص که همان کشورهایی که بیش از همه اینترنت را در داخل مرزهایشان محدود می‌کنند خواهان کنترل بیشتر آن هستند. موضع واشینگتن به‌طور زیر کانه بی‌حلوی کمی دارد در حالی که چماق بزرگی همراه آن است. به‌طور رسمی نگرانی کشورها در مورد حق حاکمیت بر پسوند دو حرفی مربوط به کشورشان را تصدیق می‌کند اما گامی در جهت تضمین کنترل آنها بر نمی‌دارد، این گام درستی است. اگر چه که این ممکن است مشکلاتی برای تایوان به‌وجود آورد اما می‌توان آنها را دور زد. مانند دک تلفن کشورها که با هرپستیم شناختن سیاسی آنها ارتباطی ندارد آدرس اینترنتی هم نیازی نیست اینطور باشد.

واشینگتن هم‌چنین از استمرار گفتگوی گسترده‌یی استقبال می‌کند که می‌تواند به تشکیل شورای جهانی سیاست اینترنتی که پیشنهادت گروه کار سازمان ملل بود منجر شود. اما واشینگتن باید یاد آید از وارد شدن به محدودهٔ اساساً فنی ICANN می‌تواند به صدمه زدن به شبکه منجرشود، باز دارد.

با وجود این اگرچه که موضع آمریکا ممکن است در کوتاه مدت بدترین راه حل نباشد مطمئناً در طولانی مدت غیر قابل تحمل‌تر خواهد شد. واشینگتن باید یاد آید کند که کنترل خود را بدون به خطر انداختن ثبات شبکه با ایجاد دلسردی در خالقیت و آزادی‌یابان تقسیم کند. نهایتاً آن چه که وجود دارد تقابل دیدگاههاست. دولت آمریکا ICANN را به‌عنوان راه حلی برای رها کردن دولطابنهٔ کنترل بر اینترنت، این منبع مهم قدرت در عصر دیجیتال دید. دیگران آن‌را زیرکی واشینگتن برای حفظ هژمونی خود با وسیله قراردادن کنترل آن در دست بخش خصوصی آمریکا می‌دانند. منتقدین خارجی معتقدند که تغییر به کنترل چند جانبه با شرکت دولتها گامی در جهت توزیع بین‌المللی دموکراسی خواهد بود. واشینگتن احساس می‌کند این گامی به عقب است: گامی به‌سوی کنترل دولتی ارتباطات. این که چگونه این دیدگاهها در ارتباطات خود آینهٔ این منبع جهانی را تعیین خواهد کرد همگی ما آن‌را داننی تلقی می‌کنیم.

۱- مونرو رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۸۲۳ طی سخنرانی سالانه در کنگره آمریکا اعلام کرد که قدرت‌های اروپایی دیگر حق مستعمره کردن مناطق در قاره آمریکا را ندارند و در ازای آن منبع مهم قدرت در جنگ بین قدرتهای اروپایی و مستعمرات آنها بی‌طرف خواهند ماند. این سیاست بعدها توسط روزولت، رئیس جمهور آمریکا به عنوان ابزار استعمار تفسیرشد اگر چه در مخالفت با استعمار بیان شده بود.

مرزهای اسلام با بنیادگرایی تروریست

در قسمتهای قبلی این نوشته مشاهده کردیم که بنیادگرایی اسلامی تروریست به‌منظور برقراری یک حاکمیت خودکامه و با قدرت مطلقه، چگونه اصالت دین اسلام را هدف قرار داده و یک اسلام واژگونه برپا می‌کند. هم‌چنان‌که دیدیم که این بنیادگرایی تا کجا جهانخواور بوده و برای ناآلِ امدان به‌تأسیس یک امپراتوری اسلامی و نفی مرزهای ملی موجود میان کشورها در شیور جنگهایی خونین می‌دمد که قربانیان آن در اساس خود مسلمانان خواهند بود.

اما واقعیت نگران‌کننده این است که خمینی و رژیم ملایان پسامنده از وی، برای تحقق این اهداف شوم و خطرناک بسی از مرحلهٔ حرف و شعار فراتر رفته و در این راستا به‌سازماندهی و ایجاد نهادها و تشکلهای وسیع و فعال تروریستی دست‌زده و برای این کار تاکنون بیش از یک ربع قرن فرصت داشتند تا که هم‌اکنون با ایجاد شبکه‌یی گسترده در کشورهای مختلف جهان و میان جوامع مهاجران مسلمان اروپا و آمریکا به‌ترتویج افکار جنهمی و تروریستی خمینی و به‌طور خاص به‌صغوبگیری برای تروریسم بنیادگرایی اسلامی، بسیار فعالتند.

اصلاح طلبان و میانه روها به‌جاست تا قبل از نگاه پساختاری که ملایان ایران برای گسترش تروریسم ایجاد کرده‌اند به‌پرسیشی پرداریم که بازپایه‌ی «دو جناح» برای بسیاری ایجاد کرده است. دو جناح مختلف رژیم که یکی به‌طور رسمی «اصلاح طلب» و دیگری «اصولگرا» و یا به‌تعییر برخی رسانه‌ها «محافظه‌کار» نامیده می‌شوند. ما در قسمت پیشین این نوشته‌ها (قسمت هفتم) به‌پایان نظریات توسعه‌طلبانه و در حقیقت جهانخواورانهٔ سران رژیم از شخص خمینی تا مهره‌های اصلی وی، پرداخته و مشاهده کردیم که هبکی از بی‌اعتباری مرزهای جغرافیایی و نفی کشورها متعدد اسلامی دم زده و خواهان همان «دولت واحد اسلامی» هستند که در متن وصیت خمینی مطرح شده است. این‌ها هدفی که باید برای رسیدن احتمالی به‌آن، از دریای خون، و به‌طور عمده خون مسلمانان، گذر کنند. در عین حال، وجود دو جناح یادشده در رژیم برای بسیاری مایهٔ این اشتباه شده که گویی جناح

«اصلاح‌طلب» به‌بلیدلین دیگر کشورها و تجاوز به‌سرزمین دیگران نمی‌اندیشد. این شبهه به‌خصوص بر اثر ژستهای ریاکارانهٔ محمد خاتمی در دوران ریاست جمهوری وی دامنگیر بسیاری از ایرانیان و دیگران شد که باورشان آمده گویا مختصات ماهوی رژیم خمینی با آمدن این رئیس‌جمهوری، دستخوش تغییر اساسی شده است. این به‌رغم آن‌که خاتمی رها و تا به‌آخر تأکید می‌کرده که امدان او نه‌برای تغییر «نظام ولایت فقیه» بلکه برای بازگردانیدن مشروعیّت آن است، مشروعیتی که رژیم ادعای داشته که در داخل و خارج ایران رنگ باخته است، و از جمله به‌هنگامی که رفسنجانی رئیس‌جمهور رژیم بود، سران اصلی این رژیم در دادگاه جنایی آلمان و طی رسیدگی به‌پیروندهٔ جنایات تروریستی رژیم در رستوران «میکونوس»، این سران از رهبرشان، خاتمه‌ای تا رئیس‌جمهور وقت و وزیرخارج و وزیر اطلاعات، دست‌اندرکار جنایات تروریستی شناخته شده و محکوم شدند. اما وقتی خاتمی آمده، نهنتها بخشی از ایرانیان قریب خوردند، بلکه دولتهای دیگر و به‌خصوص اروپایها دوباره دامن از ملت داده و منافع کلان خویش از کیسهٔ دست ایران را با دولت «اصلاح‌طلب» به‌سرمدمداری خاتمی دنبال کردند.

در صورتی که پیش از تئورده کشیدن احمدی‌نژاد و پس از هشت سال خاتمی، همان‌وقت هم میسر بود تا با کمی بیداری دریابند که این «افعی» هرگز «کبوتر» نژاییده و نخواهد نژایید. نگاه کنیم به‌اطهارات‌احمد خمینی که از سران واقعی «هرچند غیبرسمی» جریان «خط امام» و «مجمع روحانیون مبارز» بوده است که خاتمی از این جریان برخاست، احمد خمینی، فرزند و همه‌کارهٔ دستگاه پدرش، روح‌الله خمینی، از دیرباز هشدار داده بود که: «از صدور انقلاب و ایجاد هسته‌های مقاومت در تشکیلات انقلابیون نباید قدمی کوتاه باییم. اسلام مرز ندارد. و برای برپایی حکومت‌های اسلامی و اجرای حدودِ الله (منظور همان قطع دست و پا، چشم درآوردن، سنگسار و غیره است) ما سر از نا‌نمی‌کنشیم و هدف جمهوری اسلامی و مسئولان آن چیزی جز برقراری حکومت جهانی اسلام نیست... روشها و منشهای سیاسی

با هم فرق می‌کند ولی هدف را هیچ مسلمان انقلابی پیرو خط امام فراموش نمی‌کند»(۱). بدین ترتیب، کلیت بنیادگرایی تروریست حاکم بر ایران، به‌رغم جناح‌پندها، اسامی و شعارهای گوناگون، بنا بر ماهیت خود، در پی استراتژی «بسط» و به‌اعتراّت دیگر، استراتژی «صدور انقلاب» بوده و هستند و چنان‌که خواهیم خواند، همهٔ ابزارهای میسر را، از مسالمت‌آمیز تا قهرآمیز و جنگی، با تمام قوا در این راه بسیج کرده و به‌کار می‌گیرند.

جنگ اساله با عراق

صدور بنیادگرایی تروریست که ملایان ایران آنرا «انقلاب اسلامی» می‌خوانند، نخست بایستی به‌مناسبت‌ترین کشور صورت می‌گرفت. «این نظر ملایان تروریست، چنین کشوری همانا عراق همسایه بود با مرزهای مشترک طولانی با ایران و جمعیتی با اکثریت شیعه که از این‌بابت، بیشترین شباهت را به‌ایران دارد. به‌خصوص، با وجود عتبات مقدسه در عراق، یعنی ازمارام‌علی بن‌ابیاطب(ع)، امام حسین و شهدای کربلا(ع) و امامان هفتم، نهم، دهم و یازدهم از دوازده پیشوای عقیدتی و تاریخی شییان در این کشور، این سرزمین مورد توجه ویژهٔ اکثریت طایفه مردم ایران است و ایرانیان همواره مشتاق شرایطی هستند که سفر به‌عراق و زیارت عتبات یادشده را برایشان تسهیل کند.

این چنین، فکر نفوذ و دخالت در امور عراق در دستور رژیم خمینی و جناحهای مختلف آن قرار گرفت، و بعدی که حتی لیبرالهای نهفت آزادی در اولین دولت تحت رهبری خمینی، یعنی دولت موقت بازراگان، در این دخالت‌های برون‌مرزی وارد شد و به‌اعتراف ابراهیم یزدی، وزیر خارجهٔ این دولت، اعزام یک سفیر تازه به‌بغداد، با مأموریت دخالت در امور این کشور، و در دستور وزارت خارجهٔ بازراگان قرار گرفت. در این مورد، ابراهیم یزدی از یک طرح جندمجموری سخن می‌گوید: «محمود اول، اعزام یک سفیر وارد به‌شاه عراق و قادر به‌اثبات لازم و منطقی و سری با گروه‌های مسلمان مخالف رژیم صدام در داخل عراق، ضروری بود»(۲).

یزدی می‌افزاید: «بخش دیگر سیاست ما علیه عراق و سایر اعراب، خصوصاً در

رابطه با مردم عراق، اجرای برنامه‌های تبلیغاتی به‌زبان عربی بوده است. در همان زمان، جلسات مکرری در وزارت خارجه... برگزار شد. در این جلسات، خصوصاً در مورد عراق، سفیر جمهوری اسلامی در عراق نیز حضور بهم رسانید و محورهای اصلی و خطمشی اساسی بررسی و تنظیم شد. این برنامه، به‌حق، نقش مؤثری داشت»(۳). البته، مأموریت دخالت در عراق، تنها توسط مقامات رسمی دولت دنبال نمی‌شد بلکه تمامی ارگانهای رژیم در این راه کوشا بودند، به‌طوری که منتظری، جانشین خمینی در آن هنگام، سخن از براندازی رژیم عراق را به‌طور علنی به‌میان آورد. وی از جمله در بهار سال۵۴ از خمینی به‌طور علنی درخواست کرد که رهبری انقلاب در عراق را به‌عهده بگیرد: «این روزها برداران عراقی ما مرتباً مراجع می‌کنند و می‌گویند: همان‌طور که حضرت امام خمینی انقلاب ایران را رهبری کردند تا به‌ثمر رسید، انتظار داریم که انقلاب عراق را هم رهبری کنند»(۴).

پیش از حمله همه‌جانبه عراق به‌ایران بود که رژیم خمینی این طرح فعلی نیست... اگر ما در بحث گسترده با واقعی کرد که افزون بر اقدامات دیگر از نوع آن‌چه که وزیر خارجهٔ دولت بازراگان اعلام کرده بود، تصمیم دارد تا به‌عراق حملهٔ جنگی کند. روزنامهٔ جمهوری که امتیاز آن به‌علی‌خاتمه‌ای، رهبر کنونی رژیم، تعلق دارد، به‌تاریخ ۱۸مرداد۱۳۵۹، (۹وت ۸۰) نوشت:

«به‌فرمان امام (خمینی)، فرمانده کل قوا، نیروهای انقلاب آمادگی خود را برای تصرف عراق با پشتیبانی مسلمان اعلام می‌کنند. پیش از این بحث که آغاز کنندهٔ واقعی جنگ چه کسی است، قصد داریم به‌جنگیدن با عراق باهدف تأسیس حاکمیتی شبیه خود، یعنی تحت فرمان خمینی، قابل تردید نیست، چنان‌که استقلال وی از جنگ خاتمان‌برانداز هم که از هر دو طرف، مسلمانان را قربانی می‌گرفت، تردید برنمی‌دارد. این کلام خمینی را اغلب به‌اد داریم که اندکی پس از شروع جنگ، طی یک سخنرانی در مقر خویش، جماران، خطاب به‌حاضران گفت: «جنگ موجب‌ی الهی

جلال گنجهای

نسبت به‌وقایعات بیرون مرزهایش نداشته باشد و اگر نمی‌خواست ملت‌های دیگر را با حقیقت اسلام آشنا کند، اساساً جنگ عراق با ایران شروع نمی‌شد»(۵). ملاحظه می‌کنیم که دشمنی رژیم بنیادگرای خمینی با صلح، از دیدگاه وی و سران رژیمش در «صدور انقلاب» بیرون می‌آید. خصوصیتی که هیچ جریان بنیادگرای اسلامی تروریست، خودشان به‌سببیت نمی‌شناسند، راهی جز جنگ و خونریزی و روی آوردن به‌تروریسم ندارد. خسارات این جنگ به‌اعتراف رفسنجانی، تنها برای ایران بالغ بر هزارمیلیارد دلار شد و هر ایرانی به‌طور میانگین، بر اثر این جنگ ۵۰ درصد فقیرتر شد. هولناک‌تر از این، قربانی شدن دو میلیون انسان و جوانان این مرز و بوم است که کشته‌شدگان یک میلیون تخمین زده می‌شوند. نزدیک به۴میلیون ایرانی نیز خانه و کاشانهٔ خویش را از دست داده و تحت نام «جنگزدگان» به‌نقاط دیگر ایران آواره شده و در معرض انواع ناآامی و رنج و احجاف و شامت‌شدن.

این از «صدور انقلاب» به‌کشور همسایه و به‌صورت جنگ و نبرد نظامی. اما باید دید که رژیم ملایان تهران که به‌قول احمد خمینی اهدف جمهوری اسلامی و مسئولین آن چیزی جز برقراری حکومت جهانی اسلام نیست، این هدف را در کشورهای دورتر چگونه دنبال می‌کند؟

۱ – روزنامهٔ کیهان، ۲۱دی۷۰ تا ۲۹تویهٔ ۹۲.
۲ – روزنامهٔ کیهان. شهریهٔ ۲۷سپتامبر ۸۰.
۳ – ماهنجا
۴ – روزنامهٔ بمباد، ۲۵فروردین۵۹.
۵ – برگرفته و تلخیص یک سند داخلی رژیم در مورد جنگ ایران و عراق که حزب جمهوری تدوین کرد.

این سند به‌دست مجاهدین خلق رسیده و در نشریهٔ ارگان این سازمان به‌تاریخ ۱۲دی۱۳۵۹(۱۹تویهٔ ۸۳)، منتشر گردید.
استشمام می‌کردند. به‌وسط جمعیت رسیدم. دو نفر مشغول فروش ساندویچ بودند. خریداران بدون این‌که بقی پولشان را پس بگیرند، غذای خود را می‌خریدند. زیرا عواید فروش ناهار به سازمان» تعلق می‌گرفت و آنها بی‌هیج ابایی کمک می‌کردند. هر چند می‌دانم که همین افراد کمکهای مالی و مرتب خود را به سازمان» هدیه می‌کنند. همان‌طوری که در این سالیان به‌طرق مختلف، کمکهای مالی خود را به‌سازمانشان رسانده اند. شهروندان فراسوی که بین ایرانیان به‌اهمسیاگان» معروف هستند با در دست داشتن عکسی از زنده‌باد ژرنت لوفور در تظاهرات بروکسل، یکبار دیگر همبستگی خود با مقاومت آزادخواهانه مردم ایران را ابراز داشتند.

تظاهرات پس از راهپیمایی ایرانیان به‌سمت مرکز اتحادیه اروپا، ساعت ۵ بعد از ظهر به‌پایان رسید و ایرانیان که اینبار نیز مقاومت را تنها نگذاشته بودند، از طرف دیگر امید یابنده‌یی روشن هم‌چون مهتاب را در دل‌ها زنده می‌کرد. این گروه‌های ایرانیان آزاده، پرچم‌های خود را به‌اهتزاز درمی‌آوردند و به‌این کدوک ایرانی افتخار می‌کردند. به‌هر شعر از این میان موج جمعیت، با کلی بیخندیش و معذرت می‌خوام، به‌طرف ته صف حرکت کردم. هر چه جلوتر می‌رفتم، ذره‌یی از امید خود اما اصلاً خوری از شکست از دستم کم نمی‌شد. به‌قول معروف اگر سوزن می‌لاندختی، به‌زمین نمی‌رسید. به‌دلیل شلوغی، گاهی اوقات مجبور می‌شدم توقف کنم. به‌چهره‌ها نگاه می‌کردم اما صدای خوری از خشنگی و کلافگی مشاهده نکردم. همه بشاش می‌شدند و به‌سازمان‌های خود با صدای لطیف و آن شعر پر احساس، ایرانیان حاضر در تظاهرات را با خود به‌دنیای دیگری برد. تک و توک اشک به‌چشمانشان می‌آمد و بقیه با هر تکان هلتا، با‌پا می‌شدند و احساس غرور را به‌خوبی در چهره‌شان می‌دید.

نگو از قصهٔ رستم نه از افتادن سهراب از اون مردان دریا دل بگو از دختر آفتاب آگه در قامت خونه چراغ خنده خاموشه بگو مادر که بیدارم هنوز چشم‌نامهٔ خواب بین از شب هنوز منده هنوزم روشنه مهتاب به‌ذبا حرف آموه منده رسیده مرگ شب، این‌جا طوق صبح بیداری شکوه روشن فردا شعر زیبای آری حمید نصیری و آهنگ جاببخش استاد مسلم موسیقی ایران آقای محمد شمس و صدای دلنشین هلنا کوچک، از یکطرف یادآور خاطرهٔ گلهای پرپر شده بود و از طرف دیگر امید یابنده‌یی روشن هم‌چون مهتاب را در دل‌ها زنده می‌کرد. این گروه‌های ایرانیان آزاده، پرچم‌های خود را به‌اهتزاز درمی‌آوردند و به‌این کدوک ایرانی افتخار می‌کردند. به‌هر شعر از این میان موج جمعیت، با کلی بیخندیش و معذرت می‌خوام، به‌طرف ته صف حرکت کردم. هر چه جلوتر می‌رفتم، ذره‌یی از امید خود اما اصلاً خوری از شکست از دستم کم نمی‌شد. به‌قول معروف اگر سوزن می‌لاندختی، به‌زمین نمی‌رسید. به‌دلیل شلوغی، گاهی اوقات مجبور می‌شدم توقف کنم. به‌چهره‌ها نگاه می‌کردم اما صدای خوری از خشنگی و کلافگی مشاهده نکردم. همه بشاش می‌شدند و به‌سازمان‌های خود با صدای لطیف و آن شعر پر احساس، ایرانیان حاضر در تظاهرات را با خود به‌دنیای دیگری برد. تک و توک اشک به‌چشمانشان می‌آمد و بقیه با هر تکان هلتا، با‌پا می‌شدند و احساس غرور را به‌خوبی در چهره‌شان می‌دید.

نگو از قصهٔ رستم نه از افتادن سهراب از اون مردان دریا دل بگو از دختر آفتاب آگه در قامت خونه چراغ خنده خاموشه بگو مادر که بیدارم هنوز چشم‌نامهٔ خواب بین از شب هنوز منده هنوزم روشنه مهتاب به‌ذبا حرف آموه منده رسیده مرگ شب، این‌جا طوق صبح بیداری شکوه روشن فردا شعر زیبای آری حمید نصیری و آهنگ جاببخش استاد مسلم موسیقی ایران آقای محمد شمس و صدای

شمارهٔ ۷۷۶ – سه‌شنبه اول آذر ۱۳۸۴

صفحهٔ ۱۱



تاریخ ایران زمین

دوران کهن

(از پیشدادیان تا پایان دوران ساسانی)

(۷)

عبدالعلی معصومی

سه هزار سال پیش هنوز کشوری به‌نام ایران وجود نداشت. در جای‌جای سرزمینی که پس از ورود آریاییها به‌آن، «ایران» نام گرفت، شهرها و تمدن‌هایی وجود داشت. هر جا که رودخانهٔ پراپی بود، در کناره‌اش آبادی و شهری هم سبز شد. مثلاً، در کنارهٔ رود کارون در خوزستان، در حاشیهٔ جنوبی دریای خزر یا در حاشیهٔ رود پراپ هرمند یا در کنار هلیل‌رود کرمان. از آن شهرهای کهن، آثار بسیاری در دل سرزمین ایران پنهان است که بخشی از آن در سال‌های اخیر با تلاش باستان‌شناسان از زیر خاک بیرون آورده شد. این آثار به‌جامانده، بیشتر از دورانی است که به‌آن «عصر مفرغ» گفته می‌شود.

«عصر مفرغ»

مس کمترین فازی بود که بشر آن را کشف کرد. طلا و نقره و قلع بعد از کشف مس کشف شدند. مس از جمله فلزاتی است که آسانتر گداخته و از سنگ جدا می‌شود. از این رو، انسان‌های نخستین، پیش از آن که بتوانند آهن را از سنگ جدا کنند، توانسته بودند، مس را از سنگ جدا کنند. چند هزارسال پس از کشف مس، بشر به‌کشف نازایی دست یافت و از ترکیب مس با دوی یا قلع، مفرغ (برنج) را به‌دست آورد که از مس سخت‌تر و درخشانتر بود. این دوره (از ۲۸۰۰ سال پیش از میلاد که نخستین اشیای مفرغی به‌دست آمد، تا حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد که بشر برای نخستین بار توانست آهن را از سنگ جدا کند) را عصر مفرغ می‌نامند. در «عصر آهن» انسان توانست ابزار آهنی بسازد که بسیار پرموامتر و کارآتر از ابزارهای سسی یا مفرغی بود. آهن در درجهٔ حرارت بسیار بالاتری از مس گداخته می‌شد و جدا کردنش از سنگ بسیار دشوارتر بود. همزمان با گسترش ابزارهای آهنی، اقوام آریایی (هند و ایرانی)، که در حوالی خوارزم و سرزمین‌های شمالی آن می‌زیستند، به‌فلات مرکزی ایران وارد شدند. در آن زمان اقوام آریایی کوچ‌نشین بودند و در پایانهای زندگی می‌کردند و هنوز به‌دنیای «شهرنشینی» وارد نشده بودند.

شهرهای باستانی

در هزارهٔ سوم پیش از میلاد (عصر مفرغ) «شهرنشینی» پدیدآمد و شهرهای بزرگ باستانی شکل گرفتند. شهرهای این شهرهای مهم «عصر مفرغ» را می‌توان نام برد: سیلک (کاشان)، شوش (خوزستان)، شهرسوخته (زابل)، گیان (نهادون) و جیرفت (کرمان).

تمدن سیلک کاشان از کهن‌ترین تمدن‌های کنارهٔ کویر لوت، که در هزاره‌های دور دریا بود، باگرفت. آثار این تمدن کهن، در کاوش‌های تپه‌های «سیلک»، در نزدیکی کاشان، نشان می‌دهد. این یافته‌ها که شامل ظرف‌های سفالی، اشیای سسی و مفرغی است، نشان می‌دهد که «سیلک» یکی از کهن‌ترین مراکز استقرار بشر در فلات مرکزی ایران به‌شمار می‌آید. رمائی که دریاچهٔ مرکزی ایران خشک شد و به‌جای آن کویر لوت پدیدآمد، ساکنان پیرامون آن در کنار چشمه‌های پیرامون آن منطقه گردآمدند، از جمله، در تپه‌های سیلک کاشان در حدود چند هزارسال ق.م. صنعتگران این منطقه با ذوب مس و ریختن آن در قالب‌ها ابزارهایی مانند تیر و کلنگ و گارد و چکش و سوزن و... می‌ساختند و آنها را به‌جای نوع سنگی آن به‌کار می‌بردند.

رد پای تمدن سیلک پیش از آن که به‌عصر آهن برسد با یورش مهاجمانی از پای افتاد و دیگر کمر راست نکرد. آخرین بار در اوایل هزارهٔ اول پیش از میلاد همهٔ بناها و ساکنان شهر سیلک در زیر توده‌های خاکستری که در اثر آتش‌سوزی بزرگی، که مهاجمان پدیدآورده بودند، مدفون شدند و دیگر اثری از آبادی در آن‌جا نماند.

در منطقهٔ هیرکانیه (گرگان) نیز چنین رویدادی رخ داد و در آن‌جا نیز گویا یورش در «عصر مفرغ» مردم آن‌جا را برانگیزه کرد و از آن پس خبری از آنها نشد. همهٔ اشیای فلزی که در گور کهن مردگان آن دوران به‌دست آمده، از مس، طلا، نقره یا سفال است. گویا پیش از آن که «عصر آهن» آغاز شود، اثری از این تمدن به‌جا نماند. به‌دلیلی که در هیرکانیه تمدن آن سامان را از میان برد، در حدود ۱۸۰۰ سال پیش از میلاد رخ داد. شاید هجوم قبایل کوچ‌نشین آریایی از نواحی خوارزم و پیرامون آن بود که تمدن هیرکانیه را از میان برد.

یافته‌های باستان‌شناسی در منطقهٔ مارلیک‌گیلان نیز به‌عصر مفرغ مربوط است. در حفاری‌های این ناحیه بیش از ۵۰ مجسمهٔ مفرغی از حیواناتی مانند گاو کوهاندار، بز کوهی، پلنگ، گراز، گرگ و قاطر یافت شده است.

تمدن ایلام

ایلامیها شاخه‌یی از آن دسته از اقوامی بودند که در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد از آسیای میانه به‌ایران کوچ کردند و در جنوب غربی ایران امروزی سکونت گزیدند و بعد از چندین قرن موفق به‌ایجاد تمدن بزرگی به‌نام ایلام شدند. دولت ایلام نزدیک به‌سه هزار سال دوام یافت. ایلامیان تقریباً همزمان با سومر‌ها دولتشان را که شامل خوزستان، اطراف کوه‌های بختیاری، لرستان، پشتکوه و آنتاش (فارس) بود، تشکیل دادند. دولت «ایلام» در حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد در دشت خوزستان پایه‌گذاری شد. بخش‌های مهمی از شرق و غرب سرزمینی که بعدها ایران نامیده شد، -در حدود هزارسال پیش از ورود آریاییها به‌ایران، در زیر سلطهٔ این حکومت قرارداشت که مرکزش شوش بود. تختگاه ایلام جز سال‌های آغازین، که «شوشتر» بود، همواره شوش و شهرهای همشش نیز اهواز و خاب‌لود راخرم (آباد) بود.

ایلام مقتدر ایلام از ۳۵۰۰ تا ۲۶۵۵ ق م یعنی حدود سه هزار سال دوام داشت. در حدود سال ۲۶۵۵ پیش از میلاد، «آشور بانینال» شاه آشور که از سال ۲۶۷۸ تا ۲۶۳۱ ق.م، حکومت کرد، به‌ایلام یورش برد و آخرین شاه ایلام را دستگیر کرد و دولت کهن ایلام را از میان برد. آثار به‌جامانده از فرمانروایان ایلام را در حوزه‌های باستانی شوش هفت‌تپه، و شهر باستانی چغازنبیل می‌توان دید.

مهمترین محوطهٔ کهن دوران حکمرانی ایلام در تختگاه آنها، شهر کهن شوش، در نزدیکی شهر نوپدید «شوش دایال» در استان خوزستان قرار داشت با آثاری از سه تا چهارهزارسال پیش از میلاد. (از آثار ایلامی اکتشافات شوش: لیوان نقاشی شده ایلامی از بیش از سه هزارسال ق.م، و شیر نشسته از گل پخته لعابدار، از بیش از هزارسال ق.م). حوزهٔ باستانی هفت تپه در چند کیلومتری جنوب شرقی شوش واقع است. در این حوزه آثاری مانند گورها، به‌ویژه یک گور جمعی شامل ۲۱جسد، و یک «زیگورات خشتی» و چندین لوحهٔ گلی و یک سنگ نبشته به‌خط بابلی دربارهٔ دوره‌یی از تاریخ ایلام باستان کشف شده است. چغازنبیل، یک محوطهٔ باستانی از دوران فرمانروایی ایلام است که در ۳۰کیلومتری جنوب شرقی شوش و در نزدیکی رودخانه «دز» قرار دارد. باستان شناسان در این حوزهٔ باستانی، بقایای شهری کهن و یک معبد پلکانی باستانی که به«زیگورات» مشهور است و گورهای شاهان ایلام را کشف کرده‌اند.

این شهر و معبد کهن آن را یکی از شاهان ایلام به‌نام «اوتانشا گال»، در حدود ۱۳۰۰ سال پیش از میلاد برای یکی از خدایان ایلامی بناکرده است. این خدا ویژهٔ شاهان و کاهنان بود. این معبد پلکانی (زیگورات) که رویهٔ بیرونی آن از آجر ساخته شده، در آغاز پنج طبقه بود که در اثر گذشت زمان دو طبقهٔ بالایی آن از میان رفت و تنها سه طبقهٔ زیرین آن در کاوش‌های باستان شناسان از زیر خاک بیرون آورده شد.

اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت

خامنه‌ای با حمایت همه جانبه از احمدی‌نژاد، باندهای رقیب را به سکوت فرا می‌خواند

ابراز نگرانی رفسنجانی از تصفیهٔ گسترده در بدنه نظام

هدف خامنه‌ای از جمع کردن ائمه جمعه، توجیه آنها نسبت به تصفیهٔ گستردهٔ باندهای رقیب از بدنهٔ نظام است که پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد شروع شده است. وی هم‌چنین برای تصفیه‌های بیشتر زمینه‌سازی می‌کند

در صفحهٔ ۲

سه‌شنبه اول آذر ۱۳۸۴–۱۹شوال ۱۴۲۶

مصوبهٔ مجلس آخوندهاباجگیری آشکار برای ممانعت از ارجاع پروندهٔ اتمی به شورای امنیت

● مجلس رژیم آخوندی در یک نمایش مضحک، لایحه‌یی را به تصویب رساند که بر از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم و قطع بازرسیهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در صورت ارجاع پروندهٔ اتمی رژیم به شورای امنیت ملل متحد تأکید می‌کند

● محمد محدثین: در حالی‌که آخوندها از فقدان یک رویکرد قاطع در قبال نقضهای مکرر تعهدات بین‌المللی‌شان جری شده‌اند، با این نمایشها تلاش می‌کنند، از ارجاع پرونده شان به شورای امنیت ممانعت کنند

در صفحهٔ ۲

Mojahed

NO: 776

22November 2005

2US\$

1.5Pounds

3SFR

3€\$

پنجاه و دومین قطعنامهٔ محکومیت رژیم آخوندی توسط ملل متحد در کمیتهٔ سوم مجمع عمومی تصویب شد

رئیس‌جمهور بر گزیدهٔ مقاومت: تصویب این قطعنامه هیچ بهانه‌یی برای ادامهٔ مماشات با آخوندها باقی نمی‌گذارد، وضعیت حقوق بشر در ایران باید به شورای امنیت ملل متحد ارجاع شود

● قطعنامهٔ استعمار تبعیض و سایر نقضهای حقوق‌بشر علیه افراد متعلق به اقلیتهای قومی و مذهبی را محکوم می‌کند

● در این قطعنامه، فقدان یک دادرسی عادلانه،ممانعت از فراهم آوردن استماع آزادانه، محروم کردن بازداشت‌شدگان از داشتن وکیل، استفاده از قوانین امنیت ملی به منظور نفی حقوق بشر، ایزدا و آزار و تهدید وکلای مدافع و حقوقدانان، محکوم شده است

در صفحهٔ ۳

عمل و امتناع از برداشتن گامهایی برای رسیدگی به این تبعیضهای سیستماتیک و مخالفت با پیوستن به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان را محکوم می‌کند

● در این قطعنامه اعمال محدودیتهای غیرقانونی بر آزادی اجتماعات، آزادی بیان و اندیشه، دستگیریهای خودسرانه، تعطیلی توجیه‌ناپذیر مطبوعات و روزنامه‌ها، بلوکه‌کردن سایتهای اینترنتی، هم‌چنین فقدان شرایط لازم برای انتخابات آزاد و سالم، محکوم شده است

● قطعنامهٔ کمیتهٔ سوم مجمع عمومی ملل، استمرار استفاده از شکنجه و مجازاتهای وحشیانه و غیرانسانی از قبیل شلاق زدن و قطع عضو، استمرار اعدامهای علنی و سایر اعدامها در سطح گسترده را محکوم کرده و از اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸سال داشتند اعلام انزجار می‌کند

● کمیتهٔ سوم مجمع عمومی استمرار خشونت و تبعیض علیه زنان و دختران در قانون و در

رسوایی بزرگ کشف مرکز شکنجه و کشتار متعلق به عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق

مطبوعات و نیروهای سیاسی عراق بر وابستگی نیروهای وزارت کشور به رژیم ایران تأکید کردند

افشاگری مهم یک مقام عالیرتبهٔ سابق در وزارت کشور عراق دربارهٔ شکنجه و کشتار در شش زندان مخفی

سر تیپ منتظر سامری: مسئول بازجویی در دستگاه

ویژهٔ امنیتی یک سرهنگ وزارت اطلاعات ایران است

● الشرق الاوسط۲۶آبان: «الشکر البرکان» مانند یک گردان مرگ عمل می‌کند و تحت‌تاثیر سازمان شیعهٔ بدر مورد حمایت رژیم ایران می‌باشد

● طارق الهاشمی، دبیرکل حزب اسلامی عراق: نیروهای یاعی بدر در داخل وزارت کشور مسئول دستگیریها و شکنجه‌هایی هستند که صورت می‌گیرد

دکترخاتم مخلص، رئیس جنبش ملی عراق: نقش رژیم ایران در نابود کردن عراق یک نقش محتوایی است. با کمال تأسف در هر آن‌چه انجام گرفته و انجام می‌گیرد اثر انگشت رژیم ایران وجود دارد

تلویزیون العربیه: اینها زندانهای مخفی بودند که افسر اطلاعات رژیم ایران در آن بازجویی می‌کرد. درحال حاضر رژیم ایران روی کل عراق به خصوص منطقه جنوب کنترل دارد و سعی می‌کند میان شیعه و سنی فتنه‌انگیزی کند

● تلویزیون الشرقیه:منابع وزارت کشورعراق در گزارشی که روزچهارشنبه۲۵آبان در واشینگتن منتشر شد، اعلام کرده‌اند زندان جادریه یکی از بسیار زندانهای سری است که به اعتقاد آنها سپاه بدر بر آنها نظارت و اشراف دارد

● سخنگوی شورای گفتگوی ملی عراق:افراد سپاه بدر در نیروهای امنیتی نفوذ گسترده دارند

● الزمان۲۶آبان:مخفیکگاه جادریه، یکی از زندانهای متعددی است که، زیر کنترل سپاه بدر قرار دارد

●هوشیار زبیری،پیشرفت و گسترش نفوذ رژیم ایران باعث ترس شده و ایجاد نگرانی کرده‌است

● سایت ایلاف: زندان جادریه توسط یک افسر اطلاعات رژیم ایران اداره می‌شده‌است

● وزیر صنایع عراق: ما خواستار تحقیق برای شناسایی افرادی هستیم که شهروندان را با کارتهای شناسایی و اونیفورمهای رسمی دولتی دستگیر می‌کنند

در صفحهٔ ۶

شیوه‌های وحشیانه شکنجه در بازداشتگاههای عوامل رژیم آخوندی

استفاده از متهٔ برقی، ارهٔ برقی برای قطع اعضای بدن، کاتر مخصوص سلاخی و صندلی مخصوص شکنجه، شوک الکتریکی

● سرتیپ منتظر سامرایی: آنها با دریل برقی، اتو و یا با قطع فیزیکی اندام افراد را شکنجه می‌کنند. افسرانی که در ماه رمضان ترور شدند اکثراً خلبان بودند

● اظهارات یکی از قربانیان شکنجه: تعدادی از زندانیان زیر شکنجه کشته شدند و تعدادی نیز فلج گردیدند. با میل به یا زنجیر آهنی به شدت به قسمت سر و پاها می‌زدند. به یک زندانی با لوله آهنی تجاوز کردند. یک نفر دیگر به اسم ابراهیم را فلج کرد.دند. آنها هیرادر بودند که کوچکترین آنها ۱۵ساله بود. در مدت زندان بیجز ۱۹نفر بقیه نفرات بر اثر شکنجه کشته شدند

● یک زندانی دیگر: وقتی چشمم را باز کردند بطریهای آب و بطریهای پراز اسید دیدم که روی بدن برخی از زندانیان ریخته می‌شد و به بعضیها نیز برق وصل کرده بودند. مرا از دستهایم که از پشت بسته شده بود آویزان کردند و با میلۀ آهنی مرا می‌زدند

● روزنامه الزمان: در مخفیکگاه جادریه وبسته به وزارت کشور اره‌های برقی که برای بریدن چوب درختان استفاده می‌شود کشف شده که برای قطع اجزای بدن زندانینها به کار گرفته می‌شده‌است وهم‌چنین محلهایی برای کندن پوست آنها و صندلیهای شکنجه وجود دارد . تعداد جلادانی که اقدام به شکنجه زندانیان می‌کردند ۵۰ نفر برآورد می‌شود که شب و روز به شکنجهٔ زندانیان می‌پرداختند. شکنجه در زیر زمین طبقهٔ پایین مخفیکگاه انجام می‌شد

در صفحهٔ ۶

عدنان الجنابی، عضو پارلمان عراق:

فضاحت زندان جادریه ناشی از وجود

دستگاههای امنیتی بیگانه در وزارت کشور عراق است

– اگر امکان انجام یک تحقیقات بین‌المللی در این زمینه باشد افتضاحات بسیار بیشتری رو خواهد شد

– پارلمان عراق خواستار استیضاح ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر این کشور شد

ابر از انزجار جهانی از کشف مرکز شکنجه عوامل رژیم در وزارت کشور عراق

● اتحادیهٔ اروپا نسبت به شکنجهٔ زندانیان در وزارت کشور عراق ابراز نگرانی کرد

● سفارت آمریکا در بغداد اعلام کرد تسلط نیروهای شبه‌نظامی و مذهبی بر نیروهای امنیتی عراق را تحمل نخواهد کرد

● فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق اعلام کرد به‌منظور اطلاع پیدا کردن از هرگونه نقض، تجاوز و بی‌عدالتی علیه زندانیان اقدام به بازدید و بازرسی تمامی زندانهای عراق و در صورت نیاز حتی منازل مقامات بالای عراقی خواهد شد

● وزیر دفاع انگلستان: عوامل دست‌اندر کار بدرفتاریها افشا و مورد بازجویی قرار خواهند گرفت

● سفیر آمریکا در عراق: سپردن عاملان شکنجه به دست عدالت اولین آزمون قانون اساسی عراق است

● لوییز آریو کمیسر حقوق‌بشر در سازمان ملل متحد: باید یک تحقیقات بین‌المللی درمورد تمامی بازداشتگاههای عراق صورت گیرد

● گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل در امر شکنجه خواهان دخالت سازمانهای بین‌المللی در امر تحقیقات شد

● نماینده ویژهٔ انگلستان در مورد حقوق‌بشر: تحقیقات در مورد این موضوع نباید در عراق انجام شود

● مشاور انستجوی خاور نزدیک واشینگتن: سرزنش اصلی بایستی متوجه رژیم ایران شود

● کرت گورینگ قائم‌مقام عفو بین‌الملل: نقض حقوق‌بشر توسط دولت عراق به‌خصوص وزارت کشور سیستماتیک شده است

در صفحهٔ ۶

مرکز اطلاع رسانی الملف طی گزارش تکاندهنده‌یی از وجود شکنجه‌گاههای متعدد وزارت کشور عراق که در آنها تحت نظارت اطلاعات آخوندی، شکنجه، تجاوز، قتل و خرید و فروش دختران و زنان دستگیر شده صورت می‌گیرد، خبر داد

احمدی‌نژاد در ملاقات با موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی عراق گفت:

ایران همهٔ تجارب خود را در زمینه های مورد نیاز در اختیار ملت و دولت عراق قرار خواهد داد

بیان باقر جبر، وزیر کشور عراق: موضوع شکنجه بزرگ شده است

بیان باقر جبر، وزیر کشور عراق در یک کنفرانس خبری ادعا کرد که انتقادکنندگان، موضوع شکنجه در یک زندان مخفی وابسته بهوزارت کشور را بزرگ کرده‌اند. او گفت فقط ۷ نفر از زندانیان علائم شکنجه را نشان داده‌اند. او گفت من شکنجه را رد می‌کنم، کسی کشته نشده، کسی گردن زده نشده است.

رژیم آخوندی کشف شکنجه‌گاه در وزارت کشور را یک «سناریوی آمریکایی» خواند

سخنگوی دولت عراق: تمامی بازداشت‌شدگان به‌صورت قانونی دستگیر شده‌اند

اغلب آنها به‌منظور بازپرسی به داد‌گاه ارجاع داده شده بودند. اما آنها به‌خاطر کمبود بازداشتگاه در مرکز وزارت کشور نگهداری می‌شدند

در صفحهٔ ۶

گزارش البرادعی به شورای حکام

خبرگزاری فرانسه۲۷آبان

کارشناسان و متخصصان بین‌المللی تأکید می‌کنند

مفاد گزارش جدید محمد البرادعی به شورای حکام نشان می‌دهد که رژیم ایران در پی تسلیحات هسته‌یی است

گری سیمور کارشناس انستیتوی منع گسترش تسلیحات هسته‌یی از بنیاد مک آرثور در شبکاوی آمریکا به خبرگزاری فرانسه گفت: رژیم ایران دارای دستگاههای تبدیل فلز اورانیوم به اشکال کروی است، این اقدام نمی‌تواند هیچ هدفی جز برای تولید سلاح هسته‌یی داشته باشد

به گزارش خبرگزاری فرانسه ۲۷آبان آژانس بین‌المللی اتمی اعلام نمود

رژیم ایران سندی را ارائه داده که شیوهٔ ساختن هسته انفجاری یک بمب اتمی را تشریح می‌کند

● دولت آمریکا از وجود چنین طرحی در دست رژیم ایران ابراز نگرانی کرد

گرگ سولت سفیر آمریکا در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: رژیم ایران باید توضیح بدهد که چرا چنین مدرکی داشته است، با آن چه کار می‌کرده است و چرا تا به حال آن را افشا نکرده است.

● نیکولاس برنز معاون سیاسی وزیر امور خارجهٔ آمریکا: «هیچ‌یک از ما نمی‌خواهیم رژیم ایران به تسلیحات هسته‌یی یا تکنولوژی پیچیده انرژی هسته‌یی دست یابد. اما به‌نظر می‌رسد که این رژیم اصرار دارد که به‌آن دست پیدا کند. به گمان من رژیم ایران در حال منزوی کردن خود می‌باشد».

رژیم ایران یک سند مهم اتمی را اشتباهاً تحویل بازرسان داده است

خبرگزاری فرانسه روز یکشنبه ۲۹آبان، اتم را توصیف می‌کند تحویل بازرسان ، پیرامون مدارکی که رژیم ایران به بازرسان تحویل داده است نوشت: متحرککننده است که آنها آمدند و این ایران بر حسب اشتباه مدرکی را که چگونگی تولید هسته منفجره یک بمب انرژی اتمی تحویل دادند»

آوسوئیتدپرس۲۸آبان: آدرم ارلی، سخنگوی وزارت خارجهٔ آمریکا: روشن است که رژیم ایران ارتباطاتی با شبکه عبدالقادرخان داشته است. تنها خود این رژیم می‌تواند این اطلاعات را گزارش کند، ندانن چنین اطلاعاتی به انزوای بیشتر ایران منجر می‌شود

هند در جلسهٔ ۲۴نوامبر شورای حکام به رژیم ایران رأی منفی خواهد داد

به نوشتهٔ روزنامه تایمز ایندیا چاپ هند نخست‌وزیر هند گفته است که سیاست خارجی هند مبنی بر جلوگیری از دستیابی کشورهای جدید منطقه به سلاحهای اتمی می‌باشد.

این روزنامه افزود: مقامات هندی گفته‌اند که رژیم ایران فقط چند روز برای تغییر روش سرسختانه خود فرصت دارد و دولت هند امیدوار است که رژیم ایران در این فاصله اجازه ندهند که موقعیت سختی بر مردم ایران تحمیل شود.

در صفحهٔ ۲

جورج بوش: ما مصمم هستیم که سلاح هسته‌یی را از دست رژیمهای یاعی خارج کنیم

وزیر خارجه آمریکا: ما در جلسه آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از اکثریت لازم برای ارجاع پروندهٔ هسته‌یی رژیم ایران به شورای امنیت‌برخورداریم

